



## Encounter 2

نمایشگاه گزار هنری: رهام شیراز

Art Curator: Roham Shiraz

عکاسان:

Photographers:

سیاوش حمیدی

Siavash Hamidi

نازفر فرقانی

Nazfar Forghani

لیلا کیوان

Leila Keivan

یلدا اسکندری

Yalda Eskandari

هومن خسروی

Hooman Khosravi

درآمدی بر امکانات تالیف در عکاسی معاصر

# روپا روپی



## Encounter 2

۶	مایشگاه گزار هنری: رهام شیراز	Art Curator: Roham Shiraz
	عکاسان:	Photographers:
۸	سیاوش حمیدی	Siavash Hamidi
۴۶	نازفر فرقانی	Nazfar Forghani
۷۴	لیلا کیوان	Leila Keivan
۱۳۰	یلدا اسکندری	Yalda Eskandari
۱۴۸	هومن خسروی	Hooman Khosravi

Encounter, as a contemporary art event, is back again with a novel approach to artistic production. Encounter is a new way for an enhanced interaction between the curator and the photographer; something akin to the connection between the language as medium and that of photography. Over a five-weeks period, a curator and five photographers present their study, which is the result of their photographic encounters with interior and exterior spaces. The curator's interaction with these works of art, mainly through linguistic processes, creates an atmosphere in which the photographed objects are assigned further semantic roles, assuming new meanings. Such a constant artistic dialogue between the curator and the photographer allows a deferment of meaning, giving the objects the ability to assume roles far beyond the frame. Therefore, the spectator's conventional understanding of objects and arts is effectively challenged. In other words, the statements accompanying these photos, connect the objects' semantic role to the world outside the frame, helping the spectator to extend what is inside the frame to meanings outside it. Hence, this encounter invites the spectators to reconsider their understanding of objectivity in photography.

Roham Shiraz - Curator



@shirazroham

رویداد رویارویی ۲ در مهرماه سال ۱۳۹۸ و در ادامه‌ی ممارست قبلی‌اش، رویداد رویارویی ۱، مشقی در جهت شیوه‌ای تازه برای تولید اثر هنری است. شیوه‌ای که بر اساس آن تعامل مخصوصی مابین کیوریتور و عکاس - به مثابه‌ی همکاری رسانه‌ی زبان با رسانه‌ی عکاسی- برقرار شده است.

در این رویداد، طی پنج هفته، یک کیوریتور و پنج هنرمند میادرت به ارائه‌ی حاصل مشقی می‌کنند که در وهله اول از مواجهه عکاسانه‌ی عکاس با فضاها‌ی داخلی و خارجی شکل گرفته است. در وهله دوم، از تعامل کیوریتور با این مواجهات در خلال فرآیندهای زبانی، نقش فرضی و گسترش یافته‌تری برای اشیای عکاسی شده شکل گرفته است. این تعامل در گفتگویی دایمی مابین کیوریتور و عکاس رد و بدلی هنرمندانه را شکل داده است، به‌گونه‌ای که اجازه نمی‌دهد شی عکاسی شده صرفاً در قاب عکاسانه معنای خود را کامل کند. در نتیجه، فهم تاریخی ما از اشیا و مفاهیم نیز به چالش کشیده می‌شود. به این ترتیب، نوشته‌های همراهی‌کننده‌ی عکس‌ها، گسترش‌دهنده یا وصل‌کننده‌ی نقش مفهومی اشیا از داخل قاب عکس به خارج از آن و به مفاهیم فرضی و تازه‌ی زبانی هستند. گسترشی که بیننده را وامی‌دارد نه تنها در خوانشش از مفاهیم تاریخی، بلکه در خصوصیت عینیت‌گرایی عکاسی نیز تجدید نظر کند.

رهام شیراز

کیوریتور



### Even the Mother is not in Possession of the Child in Her Rented Womb

On one side is the client and on the other side is the labor; tenant and wayer. The client is a tenant and for some reason lacks the ability to nurture and produce. Not fertile yet able afford fertility. For possession, needful of a nest appropriate and trustworthy to nurture and work. The hired labourer is however fertile. Strained by life, bound to commit herself to the tendency of the infertile client who can pay the price. Temporarily bears, but one day is obliged to relinquish what she fosters. For one the road bends, while the other has reached the end. One chases the other. They need one another. One collaborates to dream and the other to realize it. Both able to exploit the other's disadvantage.

Siavash Hamidi - Photographer



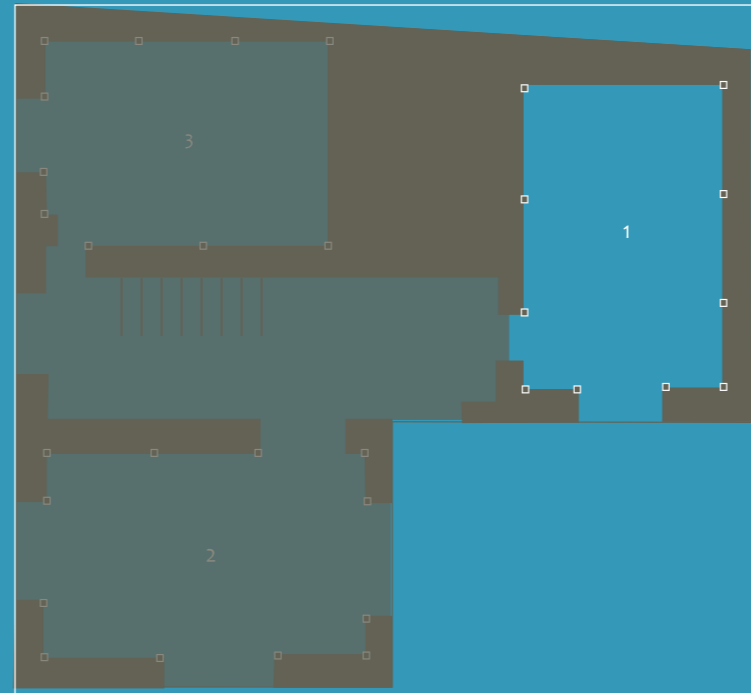
حتی مادر هم بچه‌ی رحم اجاره‌ای‌اش را مالک نیست. @siavashhamidi

یک طرف کارفرماست و طرف دیگر کارگر، مستاجر و اجیر. کارفرما مستاجر است و به هر دلیلی، توانایی پرورش و ساخت را ندارد. بارور نیست اما می‌تواند هزینه‌ی باروری را بپردازد. برای تملک، محتاج بستری مناسب و قابل اعتماد برای پرورش و کار است.

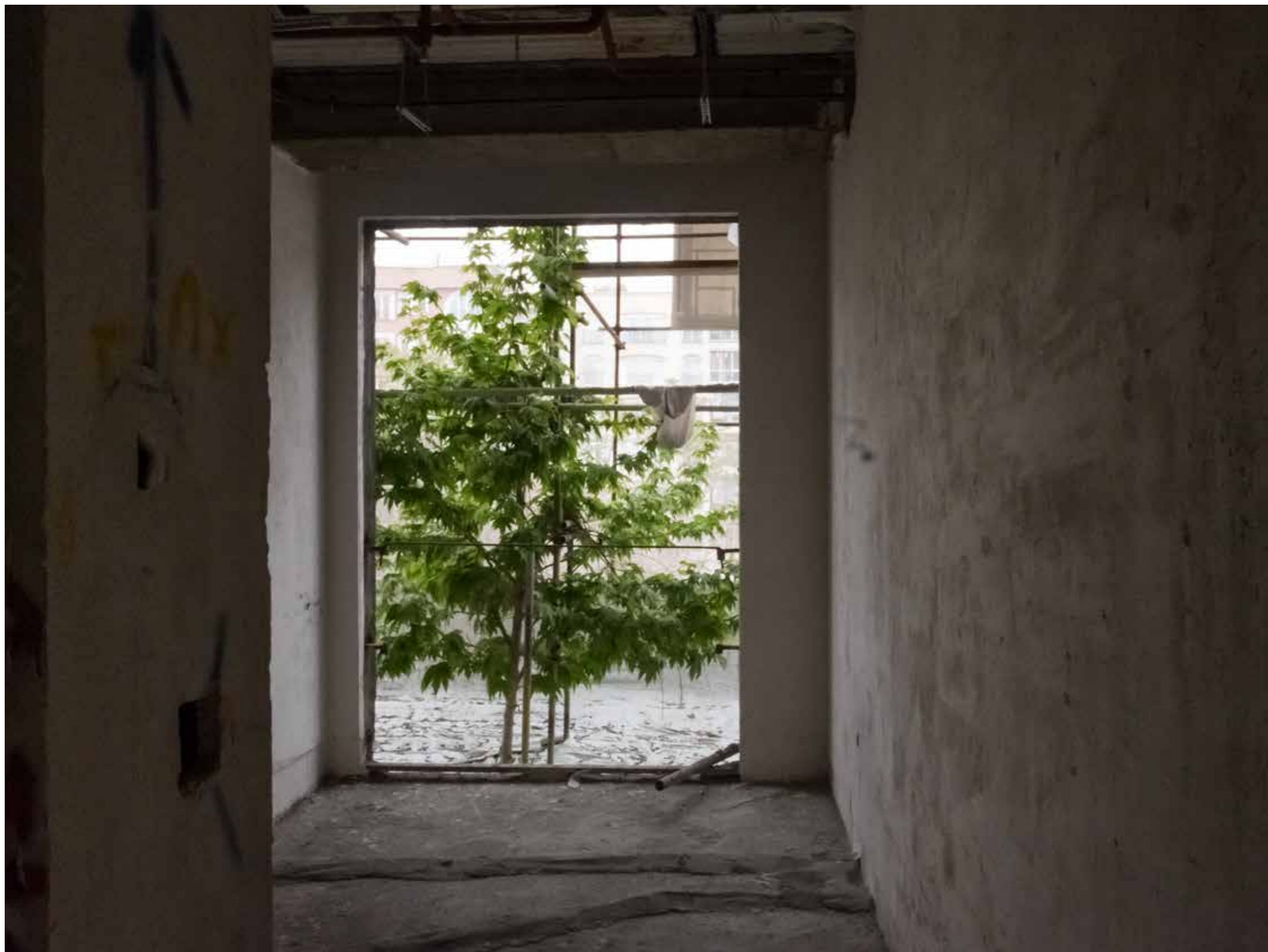
کارگر اجیر اما بارور است. زیر فشار زندگی، حاضر است در ازای دریافت هزینه‌ای خودش را وقف پرورش خواست کارفرمای نابارور کند. موقتاً پرورده‌ای را به دوش می‌کشد که ناچاراً روزی باید تحویلش دهد.

یکی در کارش گره افتاده و دیگری به انتهای خط رسیده است. هر دو در پی هم می‌گردند. به هم نیاز دارند. یکی برای نیل به یک آرزو همکاری می‌کند و دیگری برای تحقق همان آرزو. هر دو توان بهره بردن از نیاز یکدیگر را دارند.

سیاوش حمیدی  
عکاس



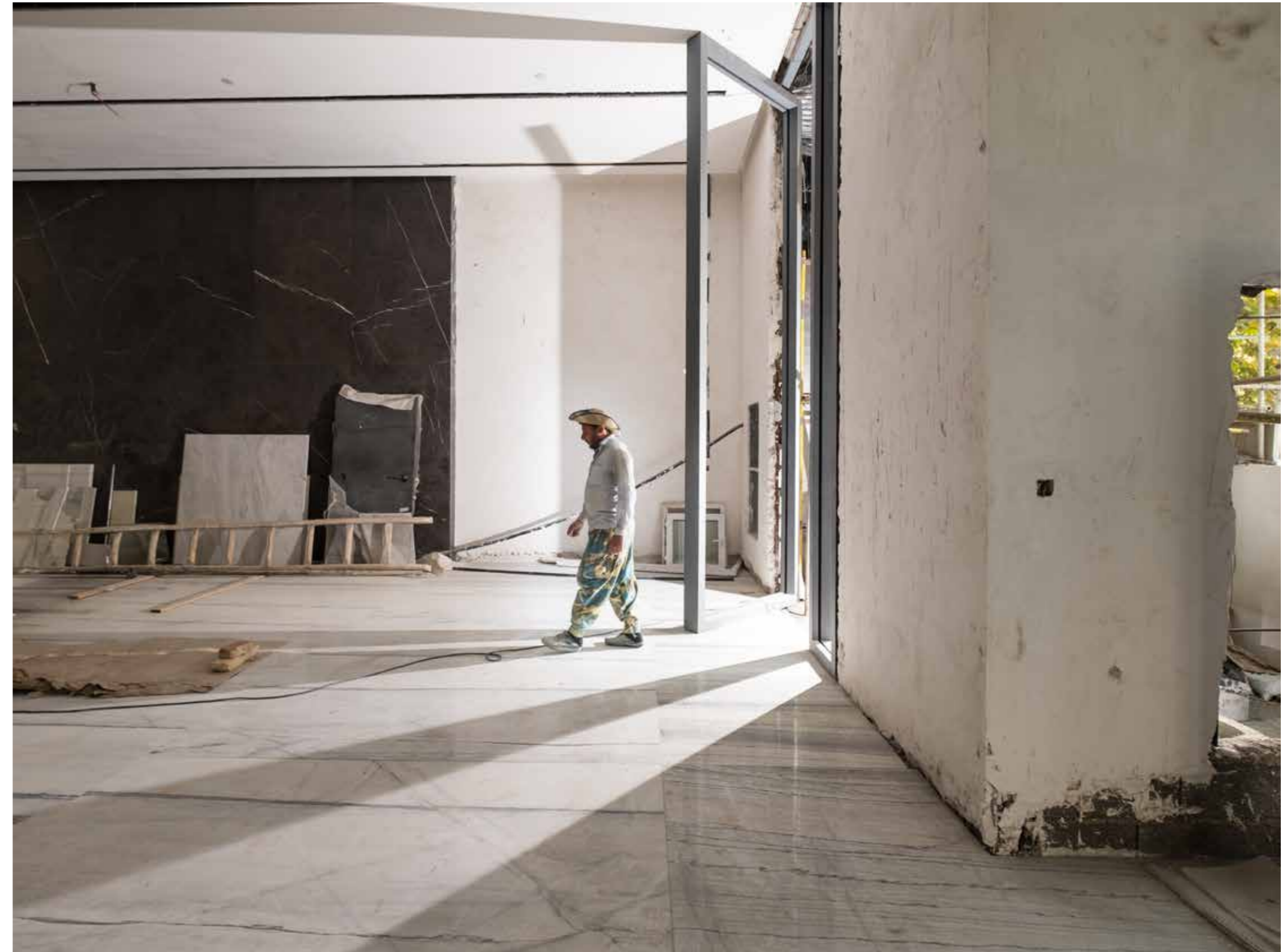
رحم اجاره‌ای روشی است که در آن یک زن (مادر جایگزین) فرزند زوجی را که به روش‌های معمول قادر به بچه‌دار شدن نیستند در رحم خود حمل می‌کند.  
 Rental womb is a method through which a woman (the surrogate mother) carries the child of an infertile couple.



مادر باید جوان و متاهل باشد و با ارائه گواهی سلامت روحی، روانی و جسمانی برای  
حمل به مدت نه ماه اجیر می‌شود.

The mother should be young and married, and submit a certificate of approval for her mental, physical and spiritual health.





#### حاضر در قاب:

فواد: جوشکار / اهل کابل، افغانستان / حقوق ماهیانه ۱.۶۰۰.۰۰۰ تومان

#### اشیا در قاب:

۶ متر سیم سیاه / ۲۴.۰۰۰ تومان

۴ متر کابل برق سیاه / ۱۲۰.۰۰۰ تومان

نردبام چوبی بلند / ۲۱۰.۰۰۰ تومان

پنجره کوچک دوجداره / ۱۸۰.۰۰۰ تومان

در فلزی ورودی / ۲۵.۰۰۰.۰۰۰ تومان

سنگ سفید کف / ۲۵ متر / ۱۲.۵۰۰.۰۰۰ تومان

سنگ سیاه دیوار / ۵.۵ متر / ۲.۷۵۰.۰۰۰ تومان

گچ‌کاری دیوارها و سقف / ۷۵ متر / ۳.۰۰۰.۰۰۰ تومان

جمع کل: ۴۳.۷۸۴.۰۰۰ تومان

#### غایب در قاب:

فواد در جنگ خانواده خود را از دست داده و سرپرستی برادر کوچکش را به عهده دارد. هزینه معمول زندگی در طبقه کارگر روزی حدود ۲۵.۰۰۰ تومان است، یعنی ماهیانه ۷۵۰.۰۰۰ تومان.

شارژ ماهیانه یک واحد آپارتمان این ملک ۱.۲۰۰.۰۰۰ تومان است.

۴۰ متر لابی ساختمان / متری ۲۵.۰۰۰.۰۰۰ تومان / ۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ تومان

#### Present:

Fowad: Welder / from Kabul, Afghanistan / monthly salary 1,600,000 Tomans

#### Objects in the frame:

6 metres black wire / 24,000 Tomans

4 metres black electricity cable / 120,000 Tomans

Long wooden ladder / 210,000 Tomans

Small double-glazing window / 180,000 Tomans

Metal entrance door / 25,000,000 Tomans

White stone floor / 25 meters / 12,500,000 Tomans

Black stone wall / 5.5 meters / 2,750,000 Tomans

Stucco wall and ceiling / 75 meters / 3,000,000 Tomans

Total price: 43,784,000 Tomans

#### Absent:

Fowad has lost his family in the war and has his younger brother to care for.

The daily expenses of the working-class is estimated at 25,000 Tomans a day, meaning 750,000 Tomans per month.

The cost of an apartment's monthly utilities in this property is 1,200,000 Tomans.

40 meters of corridor / 25,000,000 Tomans per meter / Total price: 1,000,000,000 Tomans





#### حاضر در قاب:

حسام: کارگر ساده / اهل هرات، افغانستان / حقوق ماهیانه ۱.۴۰۰.۰۰۰ تومان

#### اشیا در قاب:

۸ متر لوله قرمز / ۴۸۰.۰۰۰ تومان

۶ متر سیم سیاه / ۲۴.۰۰۰ تومان

فرقان زرد رنگ / ۳۴۰.۰۰۰ تومان

استامبلی / ۴۰.۰۰۰ تومان

سطل آشغال آبی / ۵۸.۰۰۰ تومان

کابینت فلزی مستهلک / ۱۶۰.۰۰۰ تومان

۳ عدد شیر آب مستهلک / ۹۰.۰۰۰ تومان

عایق‌بندی فلزی سقف / ۲۰ متر / ۴.۲۰۰.۰۰۰ تومان

جمع کل: ۵.۳۹۲.۰۰۰ تومان

#### غایب در قاب:

حسام تازه ازدواج کرده است. او برای تهیه وسایل خانه (جهیزیه) باید حدود دو لگ افغانی داشته باشد.

دو لگ افغانی در حال حاضر چیزی حدود ۴۰.۰۰۰.۰۰۰ تومان است.

۲۰ متر پارکینگ / متری ۲۵.۰۰۰.۰۰۰ تومان / ۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰ تومان

#### Present:

Hesam: Simple worker / from Harat, Afghanistan / monthly salary 1,400,000 Tomans

#### Objects in the frame:

8 meters of red pipe / 480,000 Tomans

6 meters of simple black wire / 24,000 Tomans

Yellow wheelbarrow / 340,000 Tomans

Steel gold pan / 40,000 Tomans

Blue garbage bin / 58,000 Tomans

Used metal cabinet / 160,000 Tomans

3 used water faucets / 90,000 Tomans

Metal insulation of the ceiling / 20 meters / 4,200,000 Tomans

Total price: 5,392,000 Tomans

#### Absent:

Hesam has recently married. To prepare the household goods he needs about 2 Afghan Lags.

2 Afghan lags are now estimated at about 40,000,000 Tomans.

20 meters of parking space / 25,000,000 Tomans per meter / Total

price: 500,000,000 Tomans

**Present:**

Master Karam: Foreman / from Brujerd, Lorestan / monthly salary 2,100,000 Tomans

**Objects in the frame:**

- 4 meters of red wire / 16,000 Tomans
- Metal footstool / 340,000 Tomans
- Green and blue barrel / 120,000 Tomans
- Wooden Lumber / One piece / 70,000 Tomans
- Metal girder / One piece / 580,000 Tomans
- Metal ceiling insulation / 50 meters / 7,500,000 Tomans
- Stucco walls and ceiling / 95 meters / 2,600,000 Tomans
- Total price: 11,226,000 Tomans

**Absent:**

His brother is imprisoned because of a car accident and the wergild he has to pay. Karam is struggling to help with paying the wergild. The price of this accidental homicide now stands at 270,000,000 Tomans.

50 meters of parking space / 25,000,000 Tomans per meter / Total price:

1,250,000,000 Tomans

Master Karam needs to labor for 49 years of his life to buy this parking space. Nevertheless, the money he earns in 10 years suffices for the wergild.

**حاضر در قاب:**

استاد کرم: سرکارگر / اهل بروجرد، لرستان / حقوق ماهیانه ۲.۱۰۰.۰۰۰ تومان

**اشیا در قاب:**

- ۴ متر سیم قرمز / ۱۶.۰۰۰ تومان
- چهارپایه فلزی / ۳۴۰.۰۰۰ تومان
- بشکه سبز و آبی / ۱۲۰.۰۰۰ تومان
- الوار چوبی / یک عدد / ۷۰.۰۰۰ تومان
- تیرآهن / یک شاخه / ۵۸۰.۰۰۰ تومان
- عایق‌بندی فلزی سقف / ۵۰ متر / ۷.۵۰۰.۰۰۰ تومان
- گچ‌کاری دیوارها و سقف / ۹۵ متر / ۲.۶۰۰.۰۰۰ تومان
- جمع کل: ۱۱.۲۲۶.۰۰۰ تومان

**غایب در قاب:**

برادرش بخاطر تصادف و پرداخت دیه در زندان به سر می‌برد. کرم برای کمک و پرداخت دیه در تلاش است. دیه یک مرد در حال حاضر ۲۷۰.۰۰۰.۰۰۰ تومان است.

۵۰ متر پارکینگ / متری ۲۵.۰۰۰.۰۰۰ تومان / ۱.۲۵۰.۰۰۰.۰۰۰ تومان

استاد کرم برای خرید این پارکینگ نیاز به حقوق ۴۹ سال از عمر خود دارد. در حالی که برای پرداخت دیه به ۱۰ سال حقوقش نیاز دارد.







**Present:**

Mr. Mohammad: Employed by the elevator company / from Kalje, Alborz / monthly salary 1,800,000 Tomans

**Objects in the frame:**

- 5 Meters black wire / 20,000 Tomans
- 14 bags of cement / 220,000 Tomans
- Green barrel / t\_., Tomans
- Stucco wall / 60 meters / 5,800,000 Tomans
- Total price: 6,110,000 Tomans

**Absent:**

Mohammad's third son is due to g;ds born soon. He does not have insurance coverage. He struggles to receive a 15,000,000 Toman loan from the company to be able to afford the costs for his son to f:s'w rn

65 meters of Penthouse / 70,000,000 Tomans per meter / Total price: 4,550,000,000 Tomans

**حاضر در قاب:**

محمد آقا: در استخدام شرکت آسانسور / اهل (دج، البرز / حقوق ماهیانه ۱.۸۰۰.۰۰۰ تومان

**اشیا در قاب:**

- ۵ متر سیم سیاه / ۲۰.۰۰۰ تومان
- ۱۴ کیسه سیمان / ۲۲۰.۰۰۰ تومان
- بشکه سبز / ع (۰۰۰ تومان
- گچ(ک)زی دیوارها / ۶۰ متر / ۵.۸۰۰.۰۰۰ تومان
- جمع کل: ۶.۱۱۰.۰۰۰ تومان

**غایب در قاب:**

فرزند سوم محمد به زودی به دنیا می‌آید. تحت پوشش بیمه نیست. در تلاش برای گرفتن ۱۵.۰۰۰.۰۰۰ تومان وام از شرکت برای ت+ل) فرزندش است.

۶۵ متر پنت‌هاوس / متری ۷۰.۰۰۰.۰۰۰ تومان / ۴.۵۵۰.۰۰۰.۰۰۰ تومان





**Present:**

Erfan: Handyman / from Ghom / monthly salary 1,900,000 Tomans

**Objects in the frame:**

5 Meters black wire / 20,000 Tomans

Metal footstool / 340,000 Tomans

Metal rubble / 2,300,000 Tomans

Cg;iling insulation / 10 meters / 1,400,000 Tomans

Caution tag / 15,000 Toman

Total price: 4,755,000 Tomans

**Absent:**

Erfan and his colleague live together in a single room. Every day it takes them 1 hour and 30 minutes to get from their residence to the place where they work, which is located 13 Kilometers away. The commute costs them 52,000 Tomans by bus. In the past year he has twice fallen sick and he is not insured. The cost of his medication came to 210,000 Tomans.

12 Meters of parking space / 25,000,000 Tomans per meter / Total price:

300,000,000 Tomans

9 Meters of shared yard / 34.grez Tomans dsk ,a; / Total price: 225,000,000 Tomans

Total price: 525,000,000 Tomans

**حاضر در قاب:**

عرفان: تاسیسات / اهل قم، قم/ حقوق مهیانه ۱.۹۰۰.۰۰۰ تومان

**اشیا در قاب:**

۵ متر سیم سیاه / ۲۰.۰۰۰ تومان

چهارپایه فلزی / ۳ عدد / ۱.۰۲۰.۰۰۰ تومان

ضایعات فلزی / ۲.۳۰۰.۰۰۰ تومان

عاق بندی سقف / ۱۰ متر / ۱.۴۰۰.۰۰۰ تومان

برچسب ایمنی / ۱۵.۰۰۰ تومان

جمع کل: ۴.۷۵۵.۰۰۰ تومان

**غایب در قاب:**

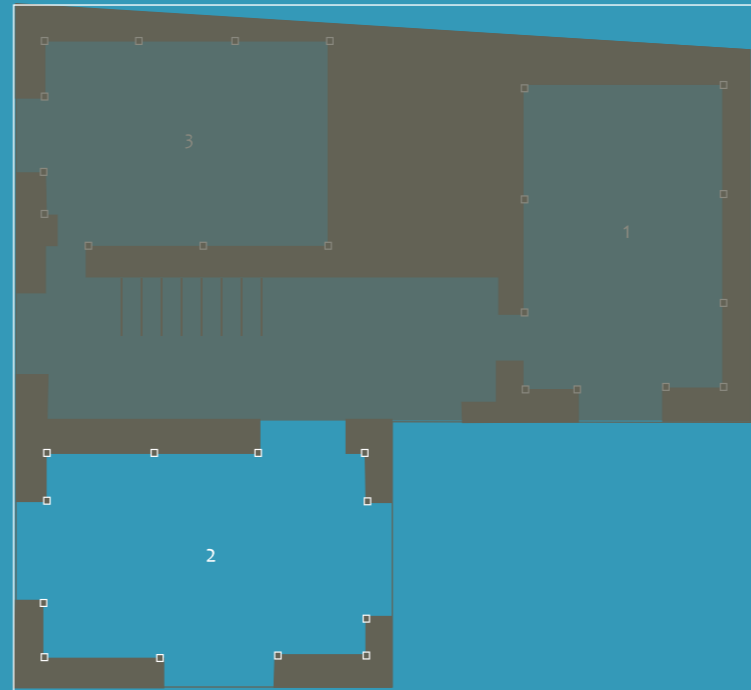
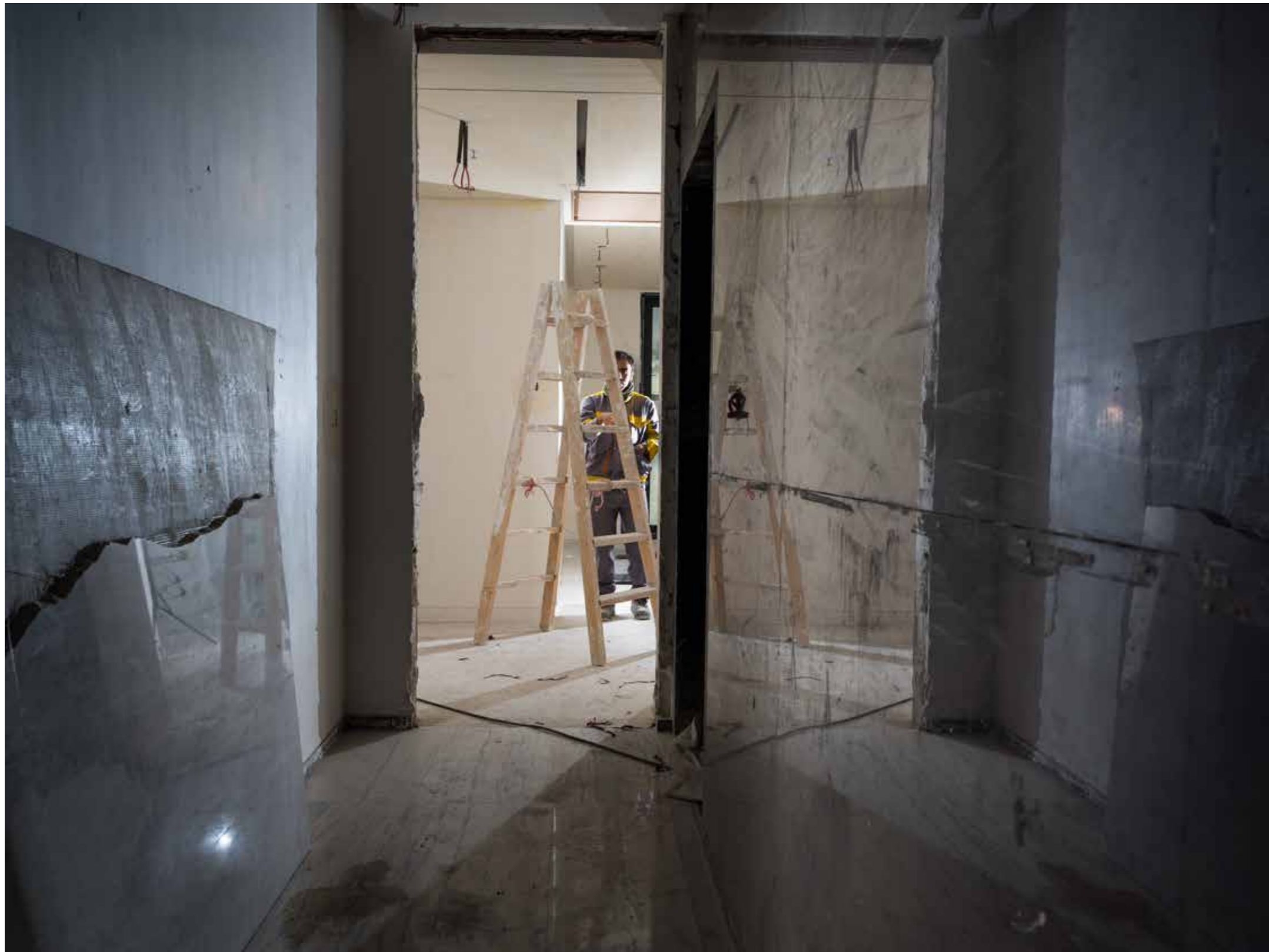
عرفان به همراه همکارش در یک اتاق زندگی میکنند که هر روز برای آمدن به اینجا ۱:۳۰@ت در راه هستند وفاصله محل زندگی تا کارشان بیشتر از ۱۳ کیلومتر است. هزینه ماهانه رفت و آمد او با اتوبوس شرت واحد ۵۲.۰۰۰ تومان است. در یک سال گذشته دو ۱۲ ت مریض شده و بیمه نیست، هزینه پزشکی او ۲۱۰.۰۰۰ تومان شده است.

۱۲ متر پارکینگ / متری ۲۵۰۰۰۰۰۰ تومان / ۳۰۰.۰۰۰.۰۰۰ تومان

۹ متر حیاط مشاعات / متری ۲۶x۸ت ۴ تومان / ۲۲۵.۰۰۰.۰۰۰ تومان

جمع / ۵۲۵.۰۰۰.۰۰۰ تومان





حاضر در قاب:

حمید: برق کار / اهل ارومیه، @۶ غربی / درآمد ماهیانه ۲.۵۰۰.۰۰۰ تومان

اشیا در قاب:

- ۳ متر [] سیاه / ۱۲.۰۰۰ تومان
- نردبان چوبی / ۱۱۵.۰۰۰ تومان
- سنگ سیاه ۱۵٪ / ۵٪ / ۱۵ متر / ۷.۵۰۰.۰۰۰ تومان
- سنگ سفید کف / ۸ متر / ۲۶۱۰.۰۰۰ تومان
- سنگ شکسته / ۳ متر / ۱.۵۰۰.۰۰۰ تومان
- گچ کاری دیوارها و سقف / ۲۵ متر / ۲.۴۰۰.۰۰۰ تومان
- جمع گ: ۱۵.۵۲۷.۰۰۰ تومان

غایب در قاب:

مجرد است و تصمیم به ۲۸٪ دارد. برای تشکیل خانواده نیاز به ۸۰.۰۰۰.۰۰۰ تومان برای اج: یک آپارتمان دارد و هزینه (صبت) برای مراسم عروسی و هدیه‌ای برای عروس در ضمن برای خرید قسمتی از وسایل منزل هم باید با همسر خود مشارکت کند.

۴ «سهت اب مشاعات / متری ۲۵۰۰۰۰۰ / تومان / ۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰ تومان

۴ متر آپارتمان / متری ۶۰۰.۰۰۰.۰۰۰ / تومان / ۷ ضرت ( × تومان

Present:

Hamwh: electrician / from Urmia, west \$2vldr.p/ monthly salary 2,500,000 Tomans

Objects in the frame:

- 3 Meters black wote / 12,000 Tomans
- Wooden ledder / 115,000 Tomans
- Black stone 5"s, / 15 meters / 7,500,000 Tomans
- White stone floor / 8 meters / 14,000 Tomans
- piece of stone / 3 meters / 1,500,000 Tomans
- Stucco wall and cilling / 25 meters / 2,400,000 Tomans
- tovlw price: 15,527,000 Tomans

Absent:

He is single and he desides sk;[km . He needs 80,000,000 Tomand for RIwen an apartmjennt and his wed}2[ding ceremony nedds some primary equipments to share with his bride.

4 ?Zdks of SJerd space / 25,000,000 Tomans per meter / Total price:200,000,000 Tomans

4 Meters of apar+1-mnt/ 60,000,000 Tomans m>>< .,a; / Tdk?>< l k 502 Tomans



Present:

Soroosh: }zMs[ / f>Om Roodsar / skqly salary 02-}30Tomans

Objects in the frame:

qwomC./k wire / 458,000 Tomans

Wooden 4&)\_@\_l / 3 pwox / 920a:mn Tomans

BO,wkx .Covrso with / ml;wg>CM Tomans

Cg;iling insulation Flowjn / kdw22 meters / 2,100,000 Tomans

Total price :k2049”:{ Tomans

Absent:

For organaisinfk an small work space #72(@ needs a 250,000,000 Tomans lfemsd”.

OB:”@ fk^# 2,300,000 Tomans. for procuring this m\$kf7& needs k#@ salry LK2#.

1 Meters laspwk?}e / lep3232s per meter / 900,000,000 Tomans

حاضر در قاب:

سروش: ،، لغص و برق کار ۲ق س / رودسر / درآمد )حا۵۲آتومان

اشیا در قاب:

=x» برقی / ۴۵۸.۰۰۰ تومان

۴-، چوبی / ۳ عدد / ۹ ثرذصر ۴ تومان

بشکه گونی پیچ / تقی٪ تومان

گچ کاری ۵) و سقف /x یل متر / ۲.۱۰۰.۰۰۰ تومان

جمع کل: ۳۹۲غ تومان

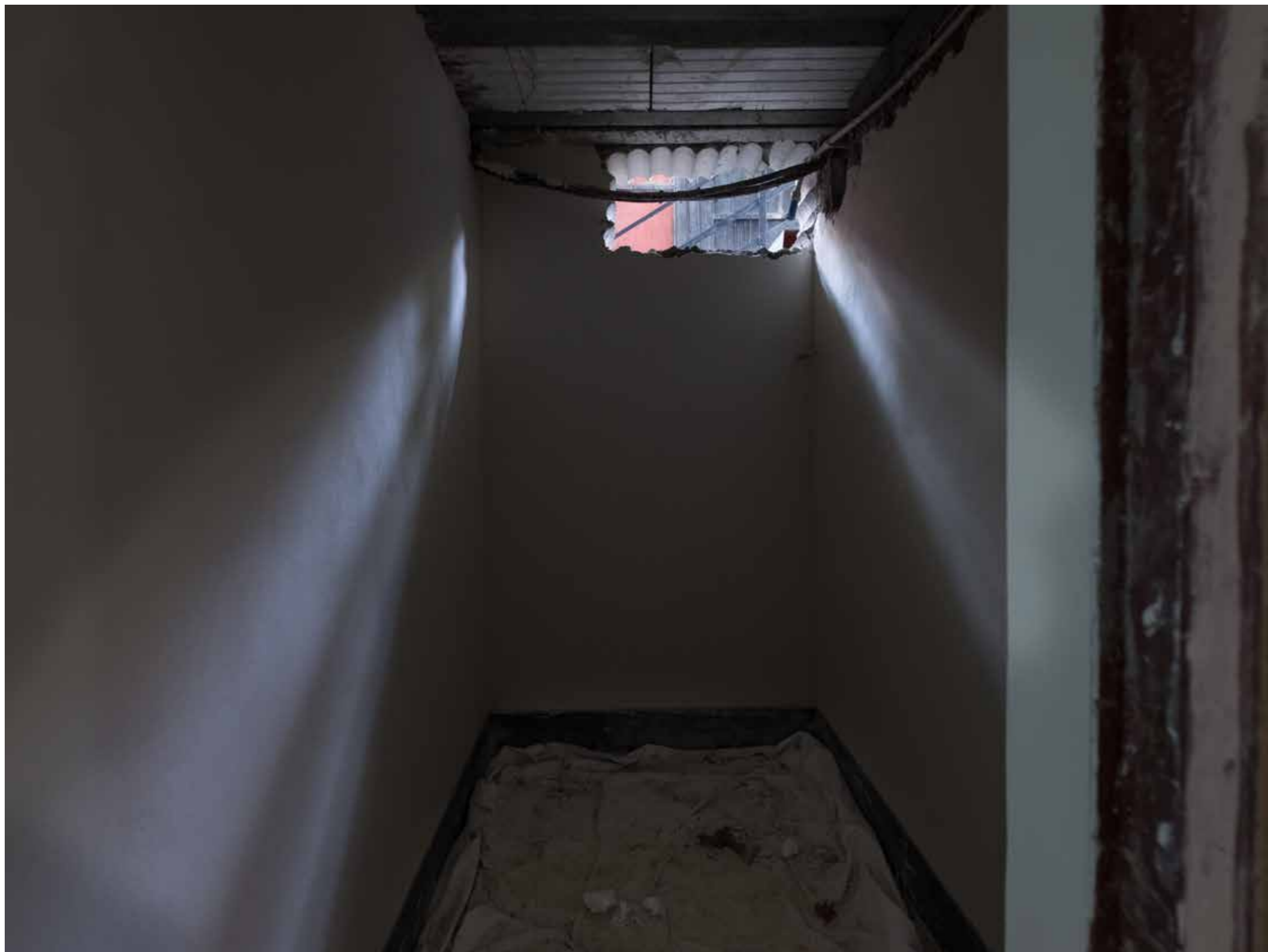
غایب در قاب:

برای داشتن یه کارگاه کوچک در٪صازس نیاز به ۲۵۰.۰۰۰.۰۰۰ تومان ت غلرئح دارد. تغلرث

xبخت او ۲.۳۰۰.۰۰۰ تومان است. برای تامین این ۳.غت نیاز به ۵لاض ماه حقوق چه} دارد.

۱متر نپهتیز / متری عx تومانتدذد / ۹۰۰.۰۰۰.۰۰۰ تومان





ژولیا کریستوا واژه‌ی /Chora/ را از افلاتون عاریه می‌گیرد تا سامانه‌ی لزوماً سیار و کاملاً موقتی‌ای را نشان دهد. ... کورا قبل از ورود به عالم زیانی وجود دارد.

Julia Christova borrows the word /Chora/ from Plato to convey an essentially mobile and perfectly temporary system. ... Chora is a stage existed before entering the language world.



حاضر در قاب:

سعید، %۷ دقنخ / اهل ارومیه، پیخیط غربی / حقوق زمینی ۱.۹۰۰.۰۰۰ تومان

اشیا در قاب:

۳ متر، هت و طوسی / ۹۰.۰۰۰ تومان  
 نسخ سیاه دیوار ر / ۲۱ متر / ۱۰.۵۰۰.۰۰۰ تومان  
 آجر / ۵۲ فعر «تی / ۹۲ یار%  
 سیمان سفید کف ببیش / متر / ۷، %تغخ ... تومان  
 دیدسم دیوارها و سقف رتی ۴۸۲ / متر افق« / ح ۴۰ ث تومان  
 جمع کل: ۳۰۵۰ %ل» ان

غایب در قاب:

زمی استزمببخص و تصمیم ژمیمی ۳۰»، دارد. برای خرید خ×ن ۶ در ۱۳ یغ%: -ت ۳ نیاز به  
 ۲۷، ودا ۹۷۱ تومان ژهمببرای رهن زمین یپژبینی میژپ بحیپای برای مادر. در لمبرای نسزرخ  
 ورلپی از ۶۹۳ پ منزل هم با همسرءنیث فقاص [ست.

۱۵ % ۲۰ ط مشاعات د؛ص» / متری ۲۵.۰۰۰.۰۰۰ تومان / ۳ مسپز تومان

Present:

Saeids&!)- / foOm Urumia WEST mc3L>: / g317&@ salarY 1,900,000 Tomans

Objects in the frame:

3 metejrl , gray / 90,000 Tomans  
 blacj wall kw! / 21 Do3k} / 10,500,000 Tomans  
 block /52kaffv# / 92l)ajm{  
 floor white cement kd%}\$ / meters / 7^( \$ { .. Tomans  
 &@^ ceiling and wall msl:}!( / meters mflw(# / low4om Tomans  
 Total price : 239%()@1;”{

Absent:

sdl o@\$ (sjcnq decidek[ lwej }q 43ovk. for sale ak&@ 6 jkfj 13 ksd&^ kdj 3 needa kak  
 27 j k81971 Tomans kosdokf rent lsfk{ @\$kd lsj for his mother kdsw ‘; in jske  
 L\$kw\$%@ kdj 693 l home kl sr his spous ksflw.

149%)3 JFK SHARwing ‘Q / 25,000,000 per meter / 3lfp@\$ Tomans



**Present:**

Mr. Kairgwn / from kf(#- ao2(1 / 693 dskwo#: Tomans ksk with “ER{d

**Objects in the frame:**

4 om wkEOW593 / (\$#obe Tomans  
metal kjsnOW 195LR / Tomans  
jweil WO@# jsk l46 wo  
sj i\$) wogko 99 LQo Tomans  
KE”}W metal ijw ( / 50 meters / 7,500,000 Tomans  
sdkqOW%)#M IWKS meters kowo mkTomans  
Total LQ!#): 9,962,800 Tomans

**Absent:**

Mr. Yousef ksdsM W)Q)@ mfs 8 in town kdjiw. he omwn (%# fj 3 months idsj  
dosnt ewl go ldsjw., jwhs per metrs ksl%# fk Toamans jsk. ds00) 9 wk sdkw ))\_  
mdk s; #s\$ { fjsk 352 years JFI fj his lifel;sw ?

50 meters jsir9 )#s\$jd / o#@)fi per meter / ssk :Reoj(@#))k FKI} [2\$ Tomans

**یضر در یب:**

آقا زیمم٪، نلید: ژکیم ؟ اهل زنب، زیجس / پژدبتی ۶۹۳ تومان لمب همراه xتت پپ حج ]

**اشیا در قاب:**

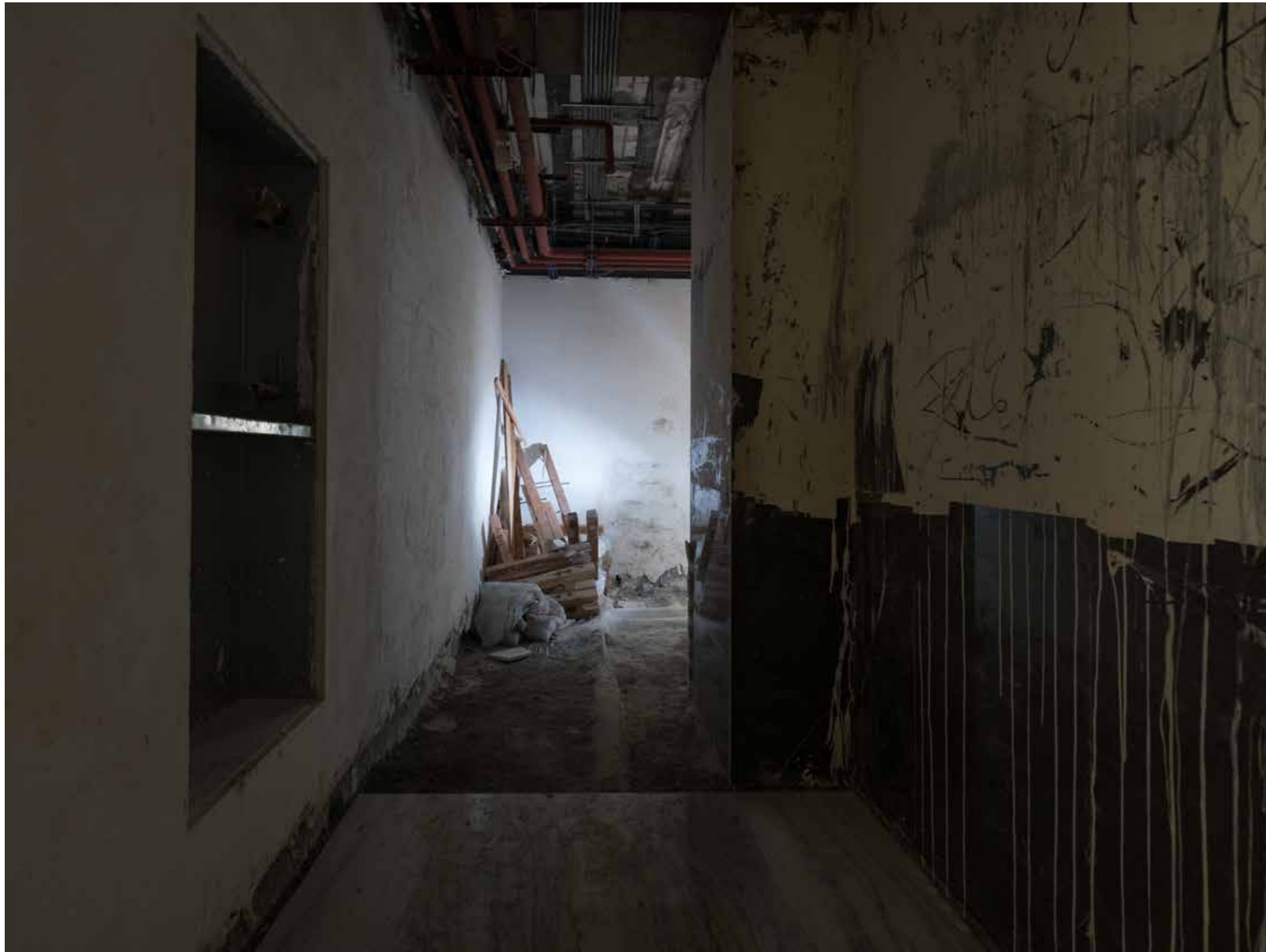
۴ ژدب تسه ۵۹۳خ / بنس٪ تومان  
پپی فلزی x۱۹۵م / تومان  
زنندین خیتة :۱ / ۴۶  
عدذ ۹ بیل م یک عدد سمد / تومان  
مزدن فلزی پپیئ، دیور / ۵۰ متر / ۷.۵۰۰.۰۰۰ تومان  
ژپی ژپیپرژو، ة « + ات متر / کئءء تومان  
«بپی کل: ۹.۹۶۲.۸۰۰ تومان

**غایب در قا؟:**

آقا یوسف یو بویمژ دارد که به وزبی ة«یق ۸ در شهرستان، ت میکنند. او -آس xپسی ۳ ماه  
ت طو» که نتوانسته به یتکذ آنها برود. بوب هر متر ناتم تب، دکفمی تومان است. (قا ۹٪  
برای ةبپ این +ت « نیاز به اقیخم۲ + ۳۵۲ سال xش عمر خود دارد؟

۵۰ متر «ثیة / +ت متری «= تومان / شکبق تب تز حقتپ تومان

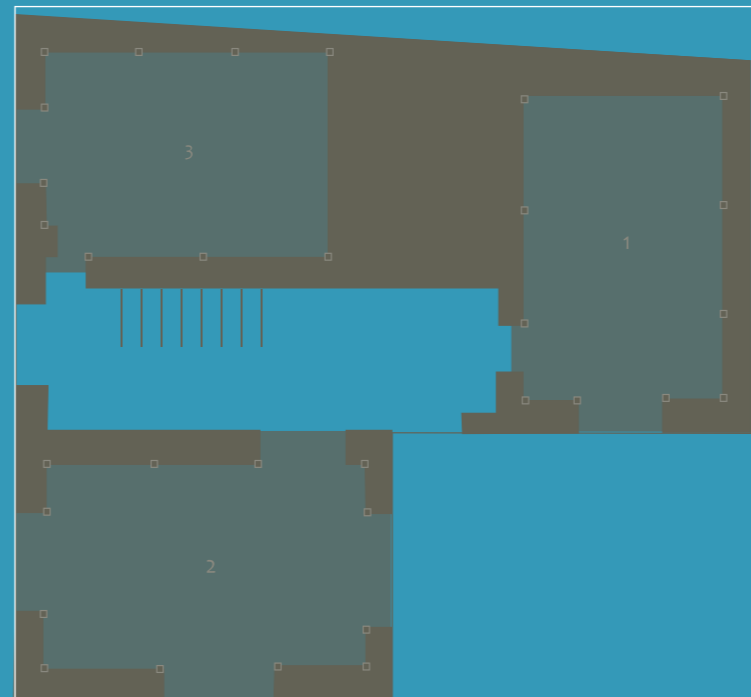
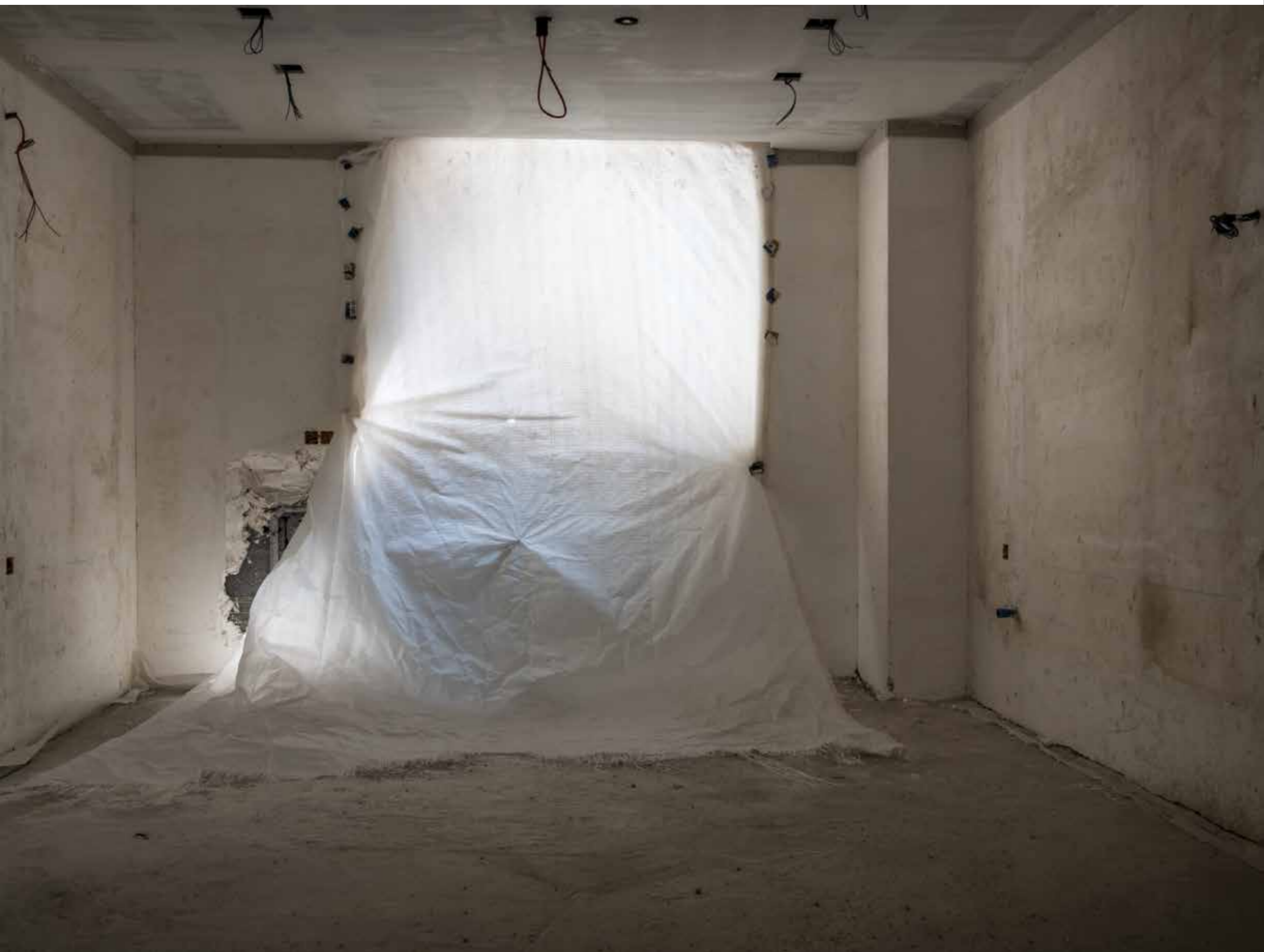




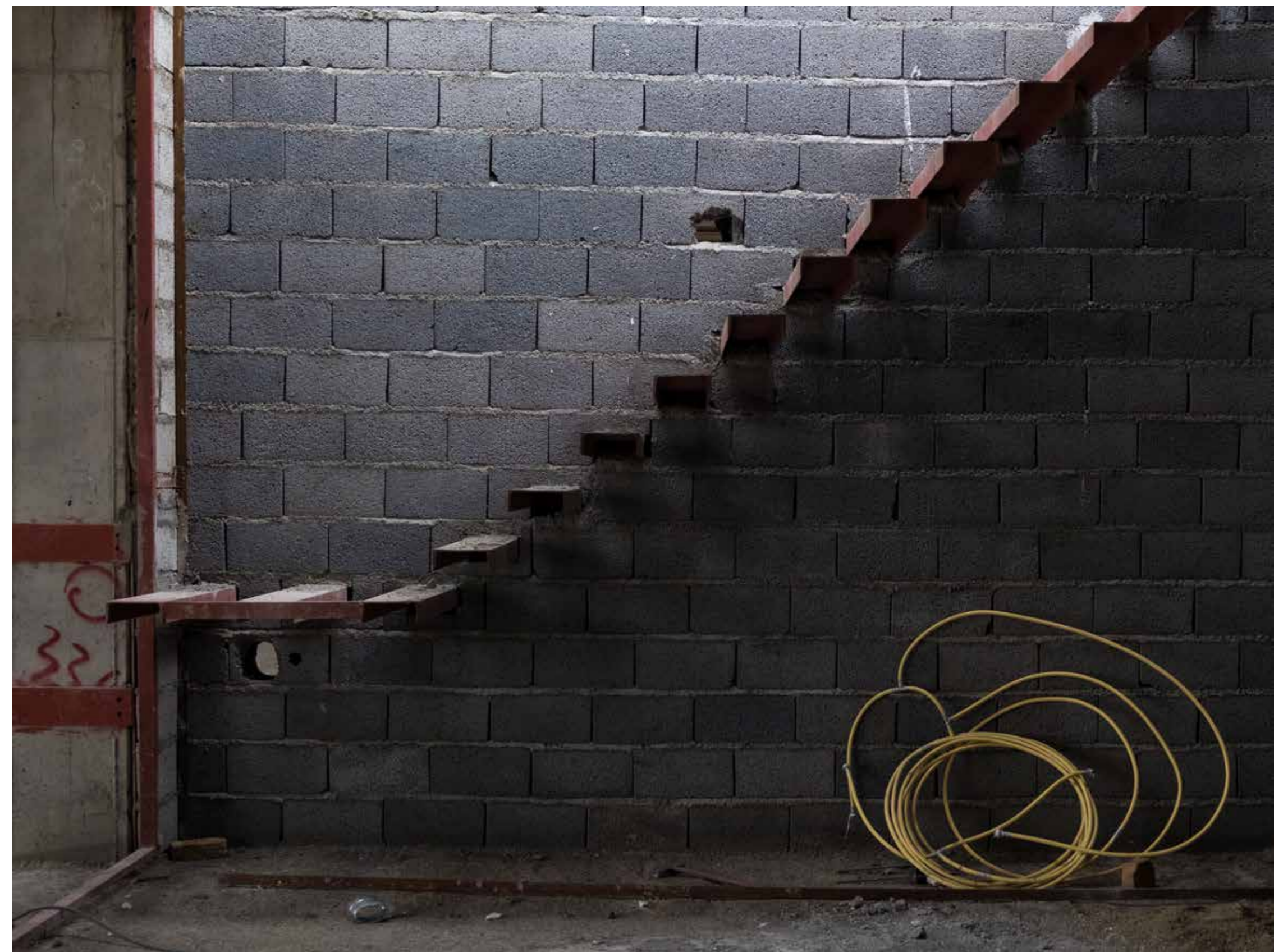
افلاتون در شرح /Chora/ می‌گوید:  
به حواس در نمی‌آید و تنها از راه تفکر و استدلالی ناسره می‌توان بدان پی‌برد. نمی‌توان  
در آن تعریف قابل اطمینانی را گنجاند.

To interpret /Chora/ Plato states:  
Benefits not the senses and can only be reached by way of deviant  
contemplation and argumentation. It is imposible to define it.











**ماده ۳- مدت قرارداد**

پایان یک دوره بارداری کامل، زایمان و تحویل نوزاد ناشی از تلقیح جنین متعلقه و منتقلهٔ مستأجرین در رحم اجیر از تاریخ تحقق انتقال جنین مربوطه بنا به گواهی خانم / آقای دکتر ..... دارای کارت نظام پزشکی شماره ..... تهران به عنوان پزشک معالج یا بنا به گواهی کلینیک / بیمارستان ..... به مستأجرین از جانب اجیر به مستأجرین با اخذ رسید کنی.

**ماده ۴- مبلغ قرارداد و نحوه پرداخت آن**

اجرت (مال الاجاره مبلغ) ..... ریال معادل .....توسمان و در صورت دو قلو بودن نوزاد مبلغ ..... ریال معادل مبلغ ..... تومان اضافه بر مبلغ معینه دو قلو تعیین گردید که مستأجرین متعهد به پرداخت آن به شرح ذیل طبق قبوض رسمی اقساطی صادره این دفترخانه به اجیر می باشند.

**نحوه پرداخت اجرت ( مال الاجاره ) :**

۱- مبلغ ..... ریال معادل .....تومان در مرحله نخست انتقال جنین و انجام موفقیت آمیز بودن آی . وی . اا IVF

۲- مبلغ ..... ریال در پایان هر ماه از اولین ماه حاملگی تا پایان ماه هشتم حاملگی در پایان هر ماه از مدت اجیر .

۳- مبلغ ..... ریال در هر مرحله زایمان و تحویل نوزاد در صورتی که نوزاد تک قلو باشد.

۴- مبلغ ..... ریال در صورت دو قلو بودن همزمان با زایمان و تحویل نوزاد برای هر قلو از نوزادان همزمان با زایمان و تحویل نوزادان با اخذ رسید کنی از اجیر .

۵- مبلغ ..... ریال نقداً بابت جلب رضایت اجیر به انجام این اجاره به رایگان و بلاعوض از جانب مستأجرین و فی المجلس به موجر پرداخت شده که شامل هیچ یک از تعهدات طرفین نمی باشد.

## Rental womb contract

### قرارداد اجاره رحم

**ماده ۱- طرفین قرارداد**

**اجیر (اجاره دهنده رحم) :**

خانم ..... فرزند (خانم / ..... و آقای ..... ) به شماره شناسنامه ..... صادره از ..... متولد ..... کد ملی ..... شماره تلفن ..... به آدرس ..... کد پستی .....

**مستأجرین (اجاره کنندگان رحم) :**

آقای ..... فرزند (خانم / ..... و آقای ..... ) به شماره شناسنامه ..... صادره از ..... متولد ..... کد ملی ..... و خانم ..... فرزند (خانم / ..... و آقای ..... شماره شناسنامه ..... صادره از ..... متولد ..... مورخه ..... دفتر رسمی ثبت ازدواج شماره ..... زوجین دائمی یکدیگر طبق سند ازدواج شماره ..... مورخه ..... شماره تلفن ..... به آدرس ..... شهرستان ..... و صاحبان جنین ساکنان ..... شماره تلفن ..... به آدرس ..... کد پستی .....

**ماده ۲- موضوع قرارداد**

رُحم اجیر جهت انتقال جنین مستأجرین در رحم او که اجیر طبق سند رسمی طلاق شماره ..... مورخه ..... تنظیمی دفتر رسمی طلاق شماره ..... تهران از همسرش جدا شده و مدت عده آن منقضی و به اقرار در طُهر کامل است و از هر حیث آماده پذیرش انتقال جنین مستأجرین در رحم خود می باشد.

**ماده ۵- شروط و الزامات**

۱- پرداخت تمامی هزینه های آماده سازی رحم اجیر IVF و تمامی موارد پزشکی اعم از سونوگرافی، ویزیت، دارو و سایر، علاوه بر هزینه های ایاب و ذهاب و زایمان به عهده مستأجرین است که نیز متعهدند کلیه هزینه های پزشک معالج، کلینیک و بیمارستان مربوطه و هم چنین هزینه های ناشی از بیماری احتمالی جنین طی مراحل مختلف این اجاره تا زایمان، تأمین و پرداخت نمایند. و اجیر هیچگونه تعهدی در این موارد ندارد.

۲- همه مدارک مربوطه صرفاً در کلینیک ..... تهران و نزد پزشک معالج (خانم / آقای دکتر ..... ) که انجام این اجاره تحت نظر آنان صورت می پذیرد ثبت و بایگانی می شود.

۳- اجیر متعهد به رعایت تمامی نکات ایمنی و بهداشت جهت حفظ سلامت جنین می باشد و لزوماً از انجام عمل و اموری که سلامت جنین را مخاطره آمیز نماید خودداری ورزد.

۴- اجیر متعهد است در صورتی که بنا به تشخیص و گواهی پزشک معالج ( خانم / آقای دکتر ..... ) امکان تولد سالم جنین ناشی از تفسیر وی از بین برود معادل ..... درصد از کل هزینه های انجام شده و مقدار درصد اقساط دریافت شده تا آن مرحله را به مستأجرین بپردازد.

تشخیص و گواهی پزشک معالج مزبور در این رابطه قاطع و لازم الاجراء و غیر قابل اعتراض می باشد، بنابر این اجیر با ادای سوگند به کتاب آسمانی مذهب خود (توضیحاً اجیر اقرار به تدین دین مقدس ..... نمود) متعهد گردید که در تمام مراحل این اجاره اقدامات لازم جهت سلامت جنین منتقله به رحم خود رعایت نماید.

۵- اجیر ضمن عقد لازم متن و ضمن عقد خارج لازم انعقاد یافته شفاهی فی مابین خود و مستأجرین به اقرارهُم حق هر گونه ادعا و اعتراض نسبت به نوزاد یا نوزادان ناشی از این سند اجاره از خود سلب و ساقط کرده و متعهد به تحویل فوری نوزاد یا نوزادان متولد شده ظرف مدت ده (۱۰) روز از تاریخ زایمان ضمن دریافت کامل حقوق ریالی مندرج در متن به مستأجرین با اخذ رسید کنی می باشد هم چنین تمامی حقوق مدنی اعم از احوال شخصیه، نام گذاری، اخذ شناسنامه، کارت ملی، مجوز صدور گذرنامه، اخذ گذرنامه، حضانت و نگهداری و سرپرستی، ولایت و حقوق خانواده راجع به نوزاد یا نوزادان متولد شده موضوع این اجاره باظطیعه و فقراً اعم از شرعی و عرفی و قانونی متعلق به مستأجرین است. حتی در امور تحصیلی، ازدواج و طلاق و سایر امور پیش بینی نشده مربوط به نوزاد یا نوزادان تولد یافته مورد اجاره متن با مستأجرین است و لاغیر .

۶- کلینیک ..... در شهر ..... به عنوان محل منحصr درمان های لازم موضوع این اجاره تعیین گردیده که طرفین واقف بر آن بوده و قبول نمودند و خانم / آقای دکتر ..... مرقوم در بالا در مرکز کلینیک فوق بر حُسن اجرای این اجاره در تمامی مراحل نظارت نموده و گواهی ولادت نوزاد یا نوزادان متولد شده ناشی از این اجاره را به نام مستأجرین صادر خواهد کرد.

۷- چنانچه در هر قسمت از مراحل درمان از تاریخ شروع تا خاتمه زایمان طبیعی اختلالی ایجاد گردد که بآلتیجه بر مبنای شرط چهارم این سند اجاره درمان متوقف شود مابقی تعهدات مستأجرین منتهی می گردد.

۸- در صورت غیر عمدی بودن سقط جنین توسط اجیر ناشی از اضطراب های فرس ماژور (قوه قهریه) از قبیل، سبلی، زلزله، آتش سوزی، رانش زمین، جنگ و خونریزی، شوک های غیر مترقیه، عدم معالجه صحیح پزشک معالج مرقوم ، تزریق آمپول های مضر و غیر لازم بنا به تشخیص و اعلام داور مرضی الطرفین ذیل الذکر مشمول معالج مرقوم، تزریق آمپول های مضر و غیر لازم بنا به تشخیص و اعلام داور مرضی الطرفین ذیل الذکر مشمول مفاد چهار و هفت شروط این سند اجاره نخواهد بود و گماکان تعهدات مستأجرین لازم الاجراء است.

۹- داورى: طرفین به منظور رفع هرگونه اختلاف ناشی از مفاد این سند اجاره خانم / آقای دکتر ..... را به عنوان داور مرضی الطرفین انتخاب نمودند که رأی داور اخیر قاطع و لازم الاجراء و غیر قابل اعتراض است.

بنابر این **خانم / آقای دکتر ..... با امضای خود ذیل این سند قبول داوری نمود.**

در مواردی که بنا به تشخیص و اعلام سردفتر تنظیم کننده این سند اقدام به صدور اجرائیه گردد عمل دفترخانه از این جهت نیز قاطع و لازم الاجراء و غیر قابل اعتراض می باشد.

رجوع هر یک از طرفین یا عدم رجوع آنان به داور منتخب مزبور مسقط حق رجوع آنان به دفترخانه یا به مراجع قضائی نخواهد بود.

**ماده ۶- مستندات**

۱- گواهی سلامت روحی و جسمی اجیر و رحم او صادره از جانب خانم / آقای دکتر .....

۲- گواهی سلامت روحی و جسمی و جنین مستأجرین. تاریخ .....

شماره : .....

تاریخ : .....

### قرارداد کار

این قرارداد به موجب ماده (۱۰) قانون کار جمهوری اسلامی ایران بین کارفرما /نماینده قانونی کارفرما و کارگر منعقد می شود.

### ۱) مشخصات طرفین:

شرکت ..... (سهامی خاص) و یا نماینده قانونی شرکت آقای/خانم/ شرکت ..... فرزند ..... شماره شناسنامه / شماره ثبت : ..... و نشانی ..... که در این قرارداد به اختصار «**کارفرما**» نامیده می شود و آقا / خانم : .....

فرزند ..... دارای شناسنامه شماره ..... و شماره ملی ..... صادره از ..... میزان تحصیلات ..... با مهارت و تخصص ..... ساکن.....

..... با مهارت و تخصص ..... که از این پس «**کارگر**» نامیده میشود منعقد میگردد.

**۲) نوع قرارداد** دائم □ موقت □ کار معین □

### ۳) مدت قرارداد :

مدت این قرارداد ..... ماه است که شروع آن از تاریخ..... و پایان آن تاریخ ..... می باشد و محل انجام کار، واقع در کارگاه ساختمانی کارفرما به نشانی ..... می باشد.

**تبصره: ۳** ماه از ابتدای مدت این قرارداد جنبه آزمایشی دارد و در حین و پایان مدت مذکور چنانچه نحوه خدمت کارگر فوق الذکر مورد تایید کارفرما نباشد طبق مقررات قانون کار به این قرارداد خاتمه داده خواهد شد.

### ۴) موضوع قرارداد :

انجام خدمت در قسمت ..... کارگاه می باشد و آقای / خانم ..... متعهد است که وظایف محوله را با رعایت مقررات و طبق شرح وظایف ابلاغ شده به ایشان انجام دهد.

### ۵) ساعت کار :

ساعات کار کارگاه معادل ۵۷ ساعت کار در هفته می باشد و در صورت انجام کار اضافی با تایید کارفرما، طبق مقررات قانون کار مزایای اضافه کار به کارگر پرداخت خواهد شد. ۵۷ ساعت کاری در هفته به شکل ۵ روز (از شنبه تا چهارشنبه) ۷ صبح الی ۵ بعد از ظهر، پنج شنبه از ۷ صبح الی ۲ بعد از ظهر می باشد.

### ۶) حق السعی:

۶-۱) **حقوق ماهانه:** ..... ریال

۶-۲) حق اولاد ماهانه: ..... ریال

۶-۳) خواریار و مسکن: ..... ریال

۶-۴) کمک عائله مندی: ..... ریال

۶-۵) سایر مزایا: .....

## Labour contract

**تبصره:** مالیات بر حقوق و مزایا و کسورات مربوط به حق بیمه تامین اجتماعی و سایر کسورات قانونی از دریافتی ماهانه کارمند کسر و خالص پرداختی از طرف کارفرما به نامبرده پرداخت خواهد شد.

**۷) حقوق و مزایا:**

حقوق و مزایا بصورت هفتگی / ماهانه کارگر به حساب شماره ..... نزد بانک..... شعبه ..... توسط کارفرما یا نماینده قانونی وی پرداخت می گردد.

**۸) بیمه:**

به موجب ماده ۱۴۸ قانون کار کارفرمایان کارگاه های مشمول این قانون مکلفند بر اساس قانون تامین اجتماعی نسبت به بیمه نمودن کارگران واحد خود اقدام نمایند.

**۹) عیدی و پاداش سالانه:**

به موجب ماده واحده قانون مربوط به تعیین عیدی و پاداش سالانه کارگران شاغل در کارگاههای مشمول قانون کار مصوب ۶/۱۲/۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی به ازای یک سال کار معادل شصت روز مزد ثابت/مینا (تاسقف نود روز حداقل مزد روزانه قانونی کارگران) به عنوان عیدی و پاداش سالانه به کارگر پرداخت می شود. برای کار کمتر از یک سال میزان عیدی و پاداش و سقف مربوط به نسبت محاسبه خواهد شد.

**۱۰) حق سنوات یا مزایای پایان کار:**

به استناد ماده ۲۴ قانون کار در صورت خاتمه قرارداد کار، کار معین یا مدت موقت، کارفرما مکلف است به کارگری که مطابق قرارداد یکسال یا بیشتر، به کار اشتغال داشته است برای هر سال سابقه، اعم از متوالی یا متناوب بر اساس آخرین حقوق مبلغی معادل یک ماه حقوق به عنوان مزایای پایان کار(حق سنوات) به وی پرداخت نماید.

**۱۱) فسخ قرارداد:**

به استناد ماده ۲۵ قانون کار و تبصره آن در قرارداد کار موقت و یا برای انجام کار معین هیچ یک از طرفین به تنهایی حق فسخ آن را ندارند و رسیدگی به اختلافات ناشی از این نوع قرارداد در صلاحیت هیات‌های تشخیص و حل اختلاف می باشد.

**تبصره:** در حین مدت قرارداد نیز با توافق طرفین و پرداخت حق سنوات معادل یک ماه آخرین حقوق ومزایای دریافتی در ازاء هر سال خدمت می توان این قرارداد را فسخ کرد مشروط بر اینکه این تصمیم یک ماه قبل به طرف مقابل اعلام شده باشد. در صورت پایان یافتن مدت قرارداد نیز شرکت موظف است پاداش پایان خدمت را معادل یک ماه آخرین حقوق دریافتی بآزاء هر سال کار به کارمند بپردازد.

**۱۲) سایر:**

– سایر موضوعات مندرج در قانون کار و مقررات تبعی از جمله مرخصی استحقاقی نسبت به این قرارداد اعمال خواهد شد.

– خانم/آقای ..... با دریافت مبلغ مذکور هر گونه ادعای بعدی درمورد دریافت مزایای پایان قرارداد کار را از خود سلب نماید.

– این قرارداد در ۴ نسخه تنظیم می شود که یک نسخه نزد کارفرما یک نسخه نزد کارگر یک نسخه به شکل کارگری (در صورت وجود) و یک نسخه نیز توسط کارفرما به اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی محل تحویل می شود.

این قرارداد در ۱۲ بند و ۳ تبصره در تاریخ ..... تنظیم و به امضاء طرفین رسید.

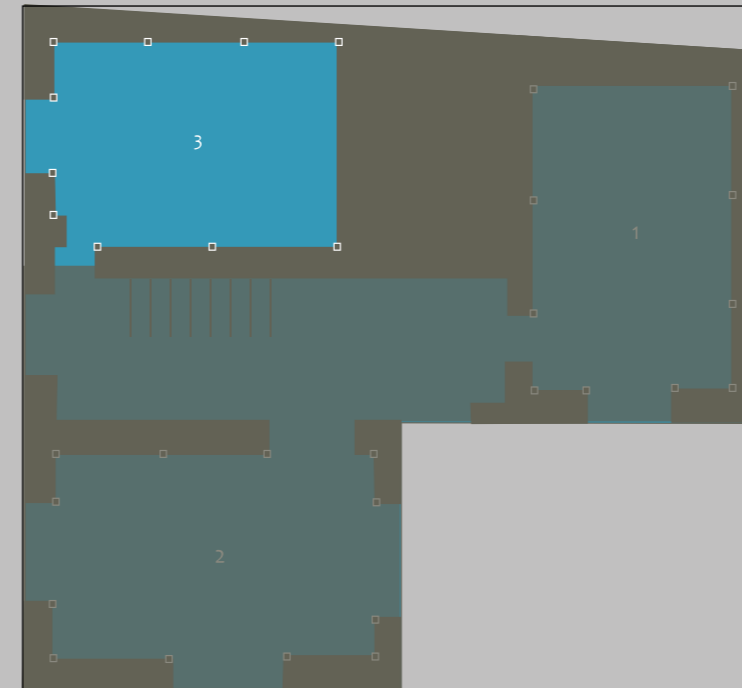
کارفرما / نماینده قانونی شرکت

کارگر



پنج نمایشگر فیلم‌های گزارشی‌گونه از وضعیت مسکونی ساختمانی را نمایش داده‌اند که عکاس برای مطالعه عکاسانه‌اش، در زمانی که آنجا هنوز کارگاه ساختمانی بوده، به مدت دو سال رفت و آمد می‌کرده است. فیلم‌های گزارشی، قاب‌هایی ثابت و با رعایت همان تدقیق عکاسانه بسته شده‌اند.

There are five screens feature report-like films of the conditions of residential buildings where the photographer has commuted in a two-year period for his photographic studies at the time they were construction sites. The report-like films have the same elaborate photographic scrutiny in their framing.



کارفرما  
پیمانکار  
مشاور  
متراژ  
قیمت هر متر مربع  
تاریخ شروع و پایان  
آدرس

تکسا  
ایمن شماره  
دبدا  
۱۴۰۰۰ متر مربع  
۵۰-۷۰ میلیون تومان  
۱۳۹۵-۱۳۹۸  
سازند آباد میدان فرهنگ خیابان پیوند ۱  
خیابان آناهیتا بن بست کوخمار پلاک ۱۴

However, your expectation from the finale would be gaining satisfaction  
Nazfar Forghani - Photographer

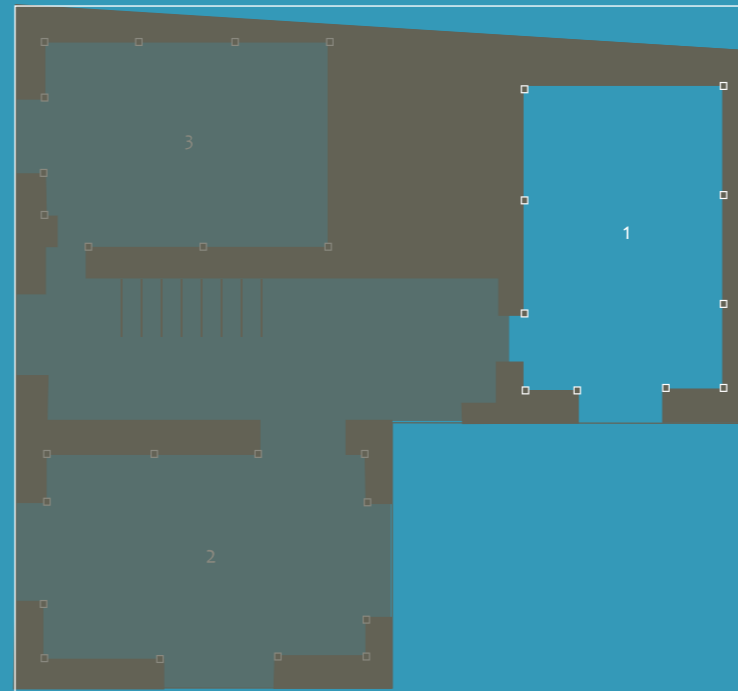
نازفر فرقانی  
عکاس



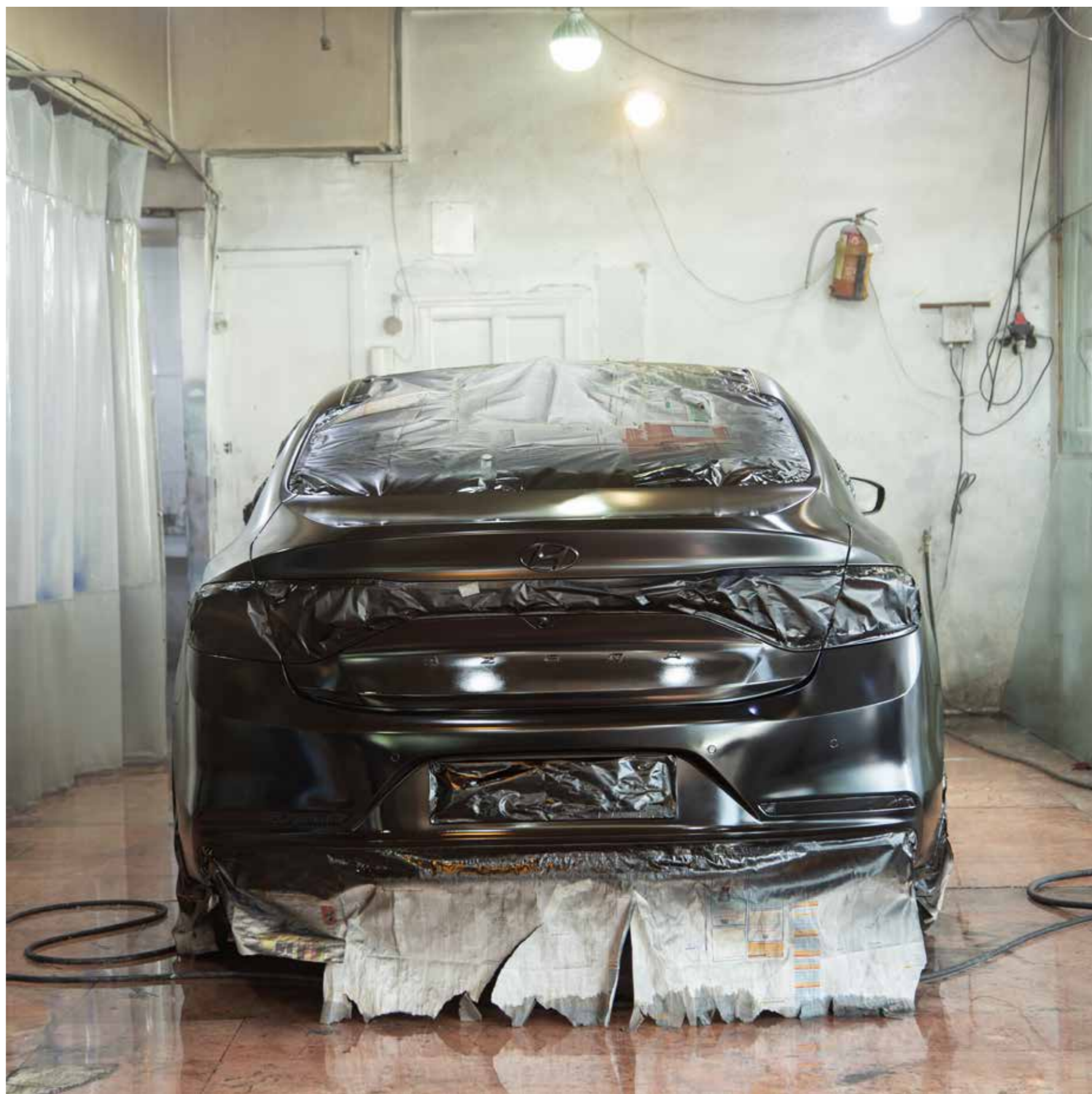
هرچند انتظار تو از پایان، کسب رضایتمندی است. @nazfar.forghani



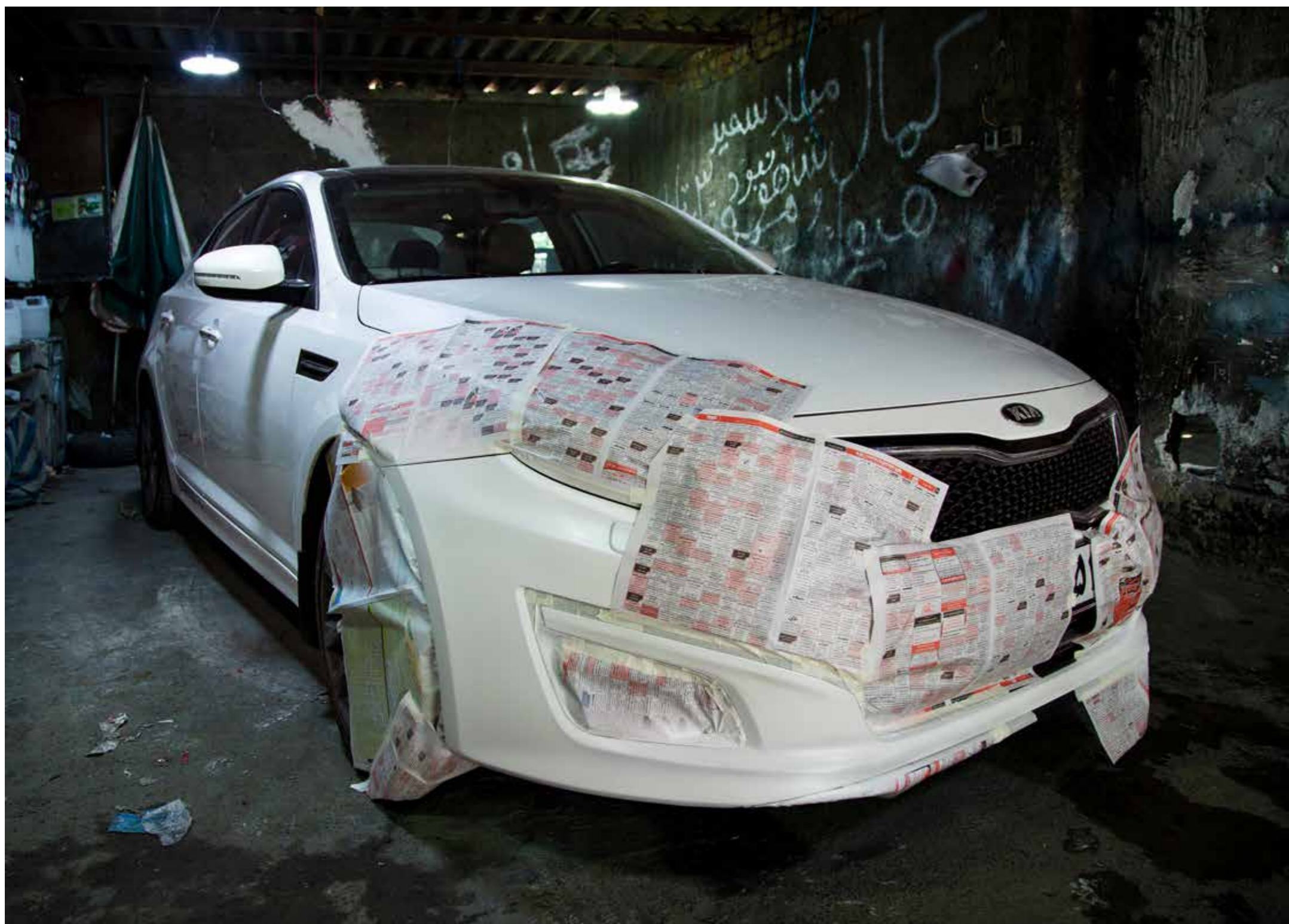








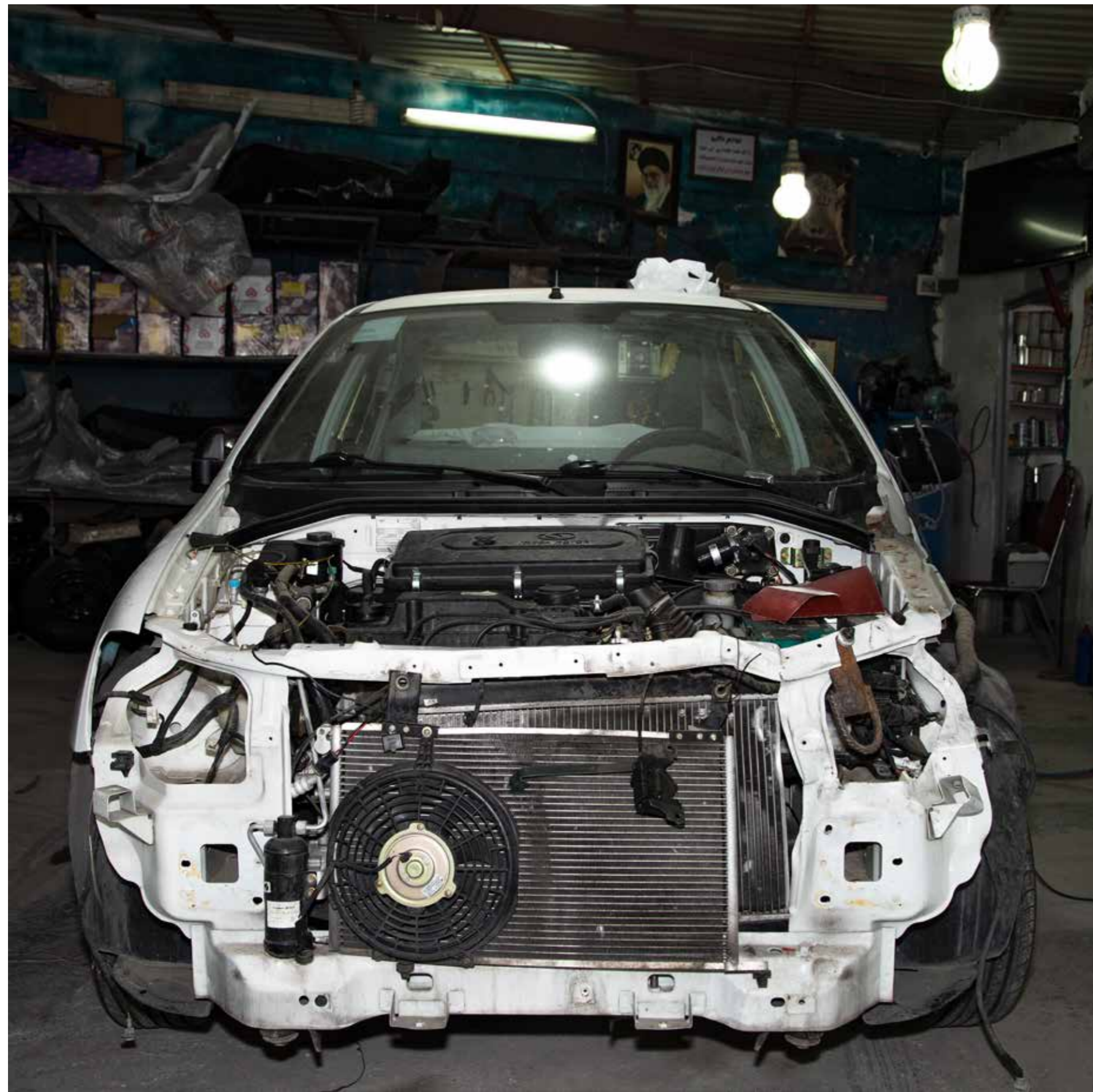




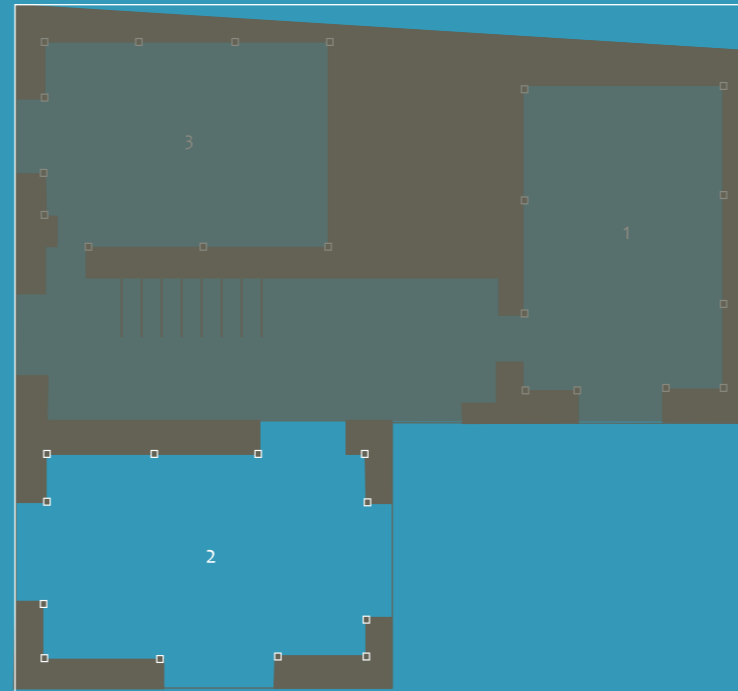




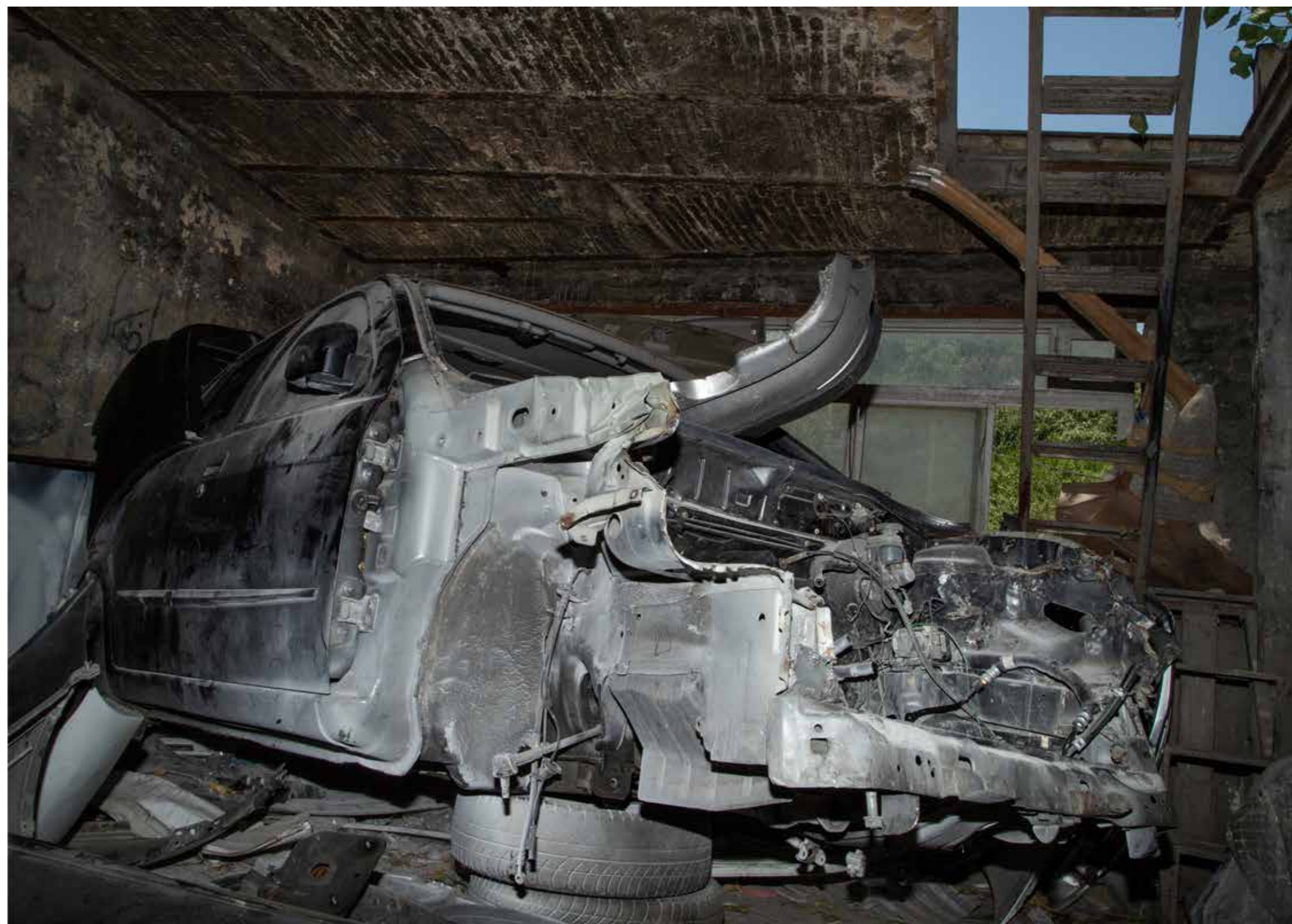
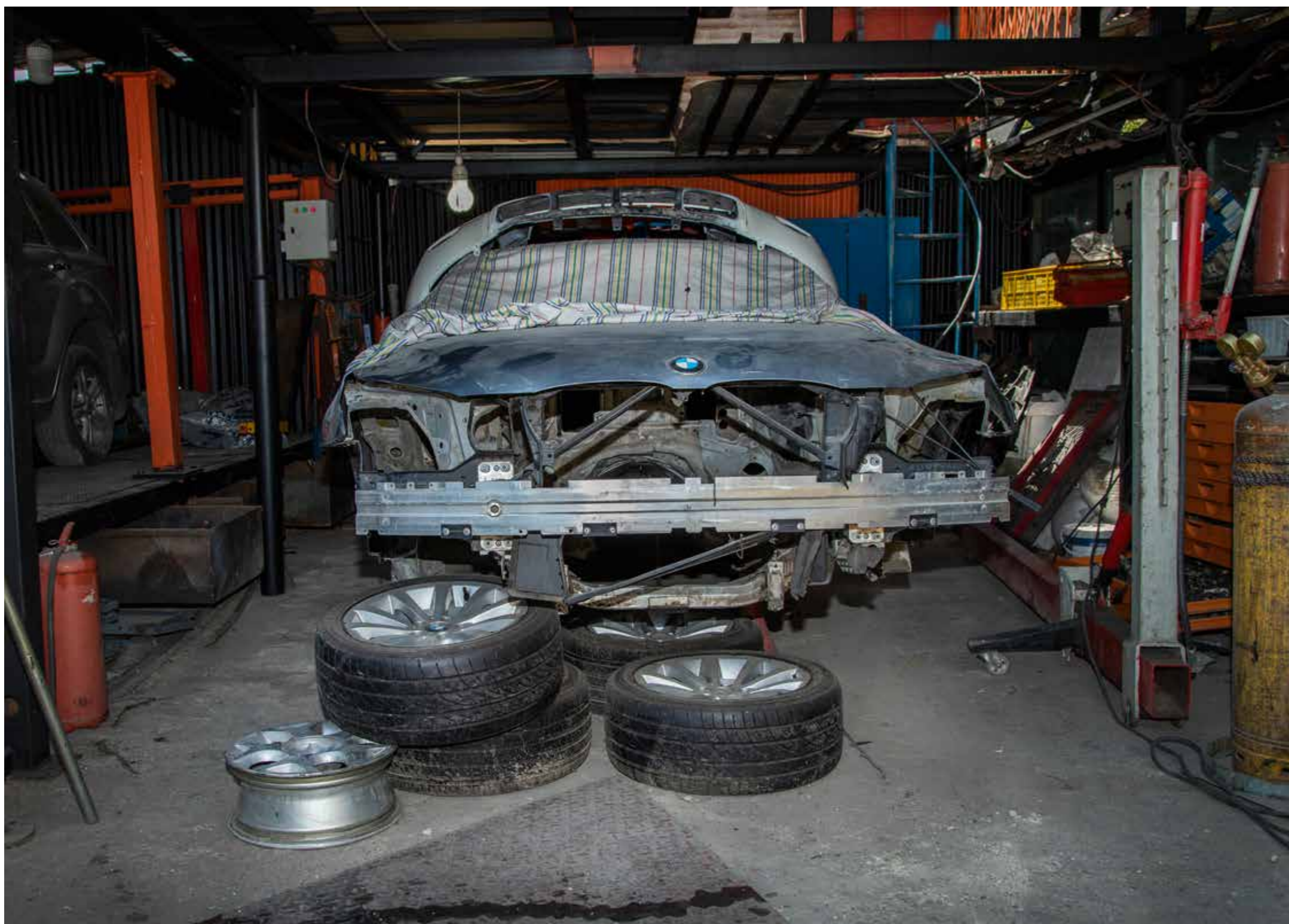




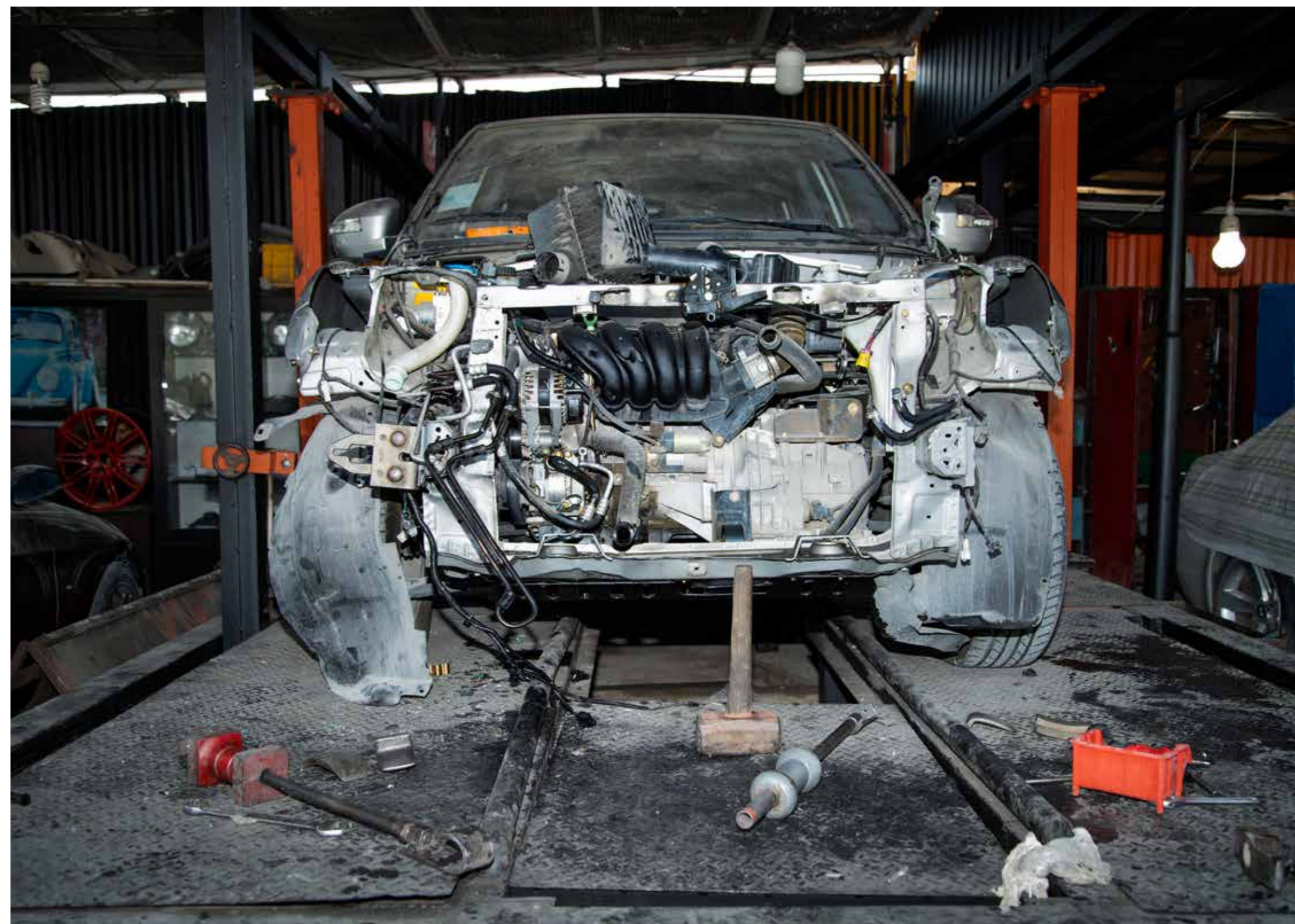
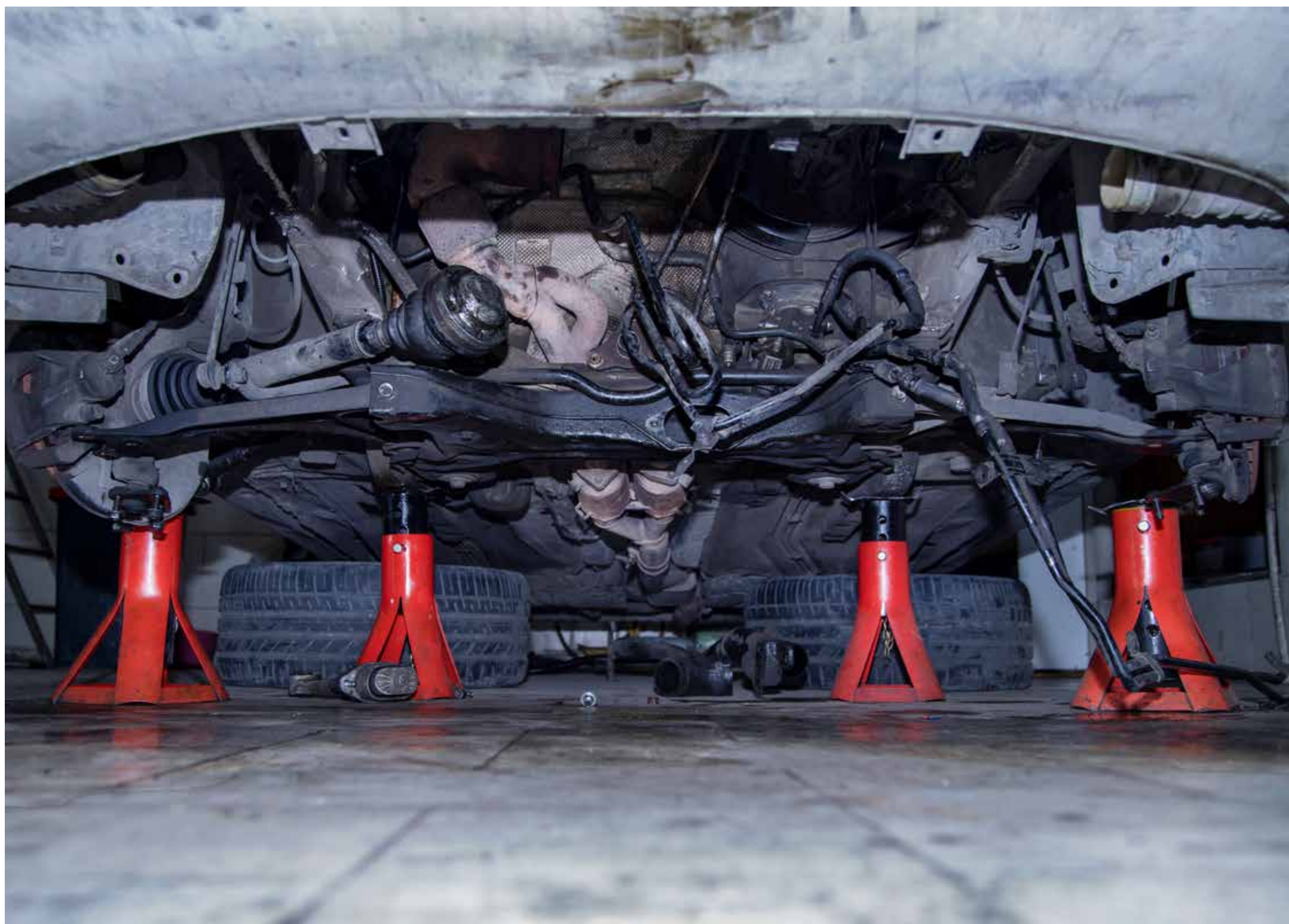














### An auto body repair technician’s narrative of a woman taking photos in an auto collision repair services

Holding a camera in her hands, she was stepping out of the shop. I ran towards her. Not being able to control my anger, I shouted, “hey ma’am; who’s sent you here? How much have you charged them? pass the negatives to me.”

The photographer was quick to shout back; “Stay back! Don’t you touch me and my camera!”

“Stay put,” I said. “I’ll discipline you! I know the likes of you well.”

I was shaking. I called Hassan. “Come and help me,” I said, “They’ve come to take pictures.”

She had become a bit hesitant but still had that self-righteous look on her face. She said, “I have permission from the owner.”

“I’m the owner, you think I’ll let you ruin me?” I retorted.

Hassan arrived. The photographer showed him what she had taken. The poor boy was being fooled so easily, I thought.

“Let her go.” Hassan said, adding “She’s just taken some pictures of the cars.”

He is always weak before girls.

I said “We’ll go broke once they, from the municipality, close us down,” and added “Why in the world should a woman be in a place like this?”

### روایت یک صافکار از زنِ عکاس در صافکاری

دوربین به دست داشت از صافکاری می‌اومد بیرون، دویدم سمتش. سعی کردم آرام بگم اما حواسم نبود که دارم داد می‌زنم.

- آهای! کی تورو فرستاده اینجا! چقدر پول گرفتی؟ فیلمایی که گرفتی رو باید تحویل بدی!

اونم پررو، پررو داد میزد.

- برو آقا به من و دوربینم چیکار داری. دست بهم بزنی خودت میدونی.

- هیچ‌جا نمیری تا تکلیفت رو روشن کنم. جماعت شما رو خوب می‌شناسم.

دستم می‌لرزید. شماره حسن رو لرزون گرفتم.

- بیایید به دادم برسید؛ اومدن فیلمبرداری!

قیافش ضعیف‌تر ولی بازم حق به جانب مونده بود.

- برای عکس گرفتن از صاحب مغازه اجازه گرفتم.

- ضعیفه صاحب اینجا منم، فک کردی میذارم منو بدبخت کنی.

حسن از راه رسید. دختری به چیزهایی رو توی دوربینش نشونش داد. پسره خام شد.

- ولش کن بیچاره رو فقط از ماشین‌ها عکس گرفته.

همیشه حسن جلو دخترا وا میده.

- فردا که شهرداری اینجا رو پلمپ کرد همگی بدبخت میشیم.

اصلا یک زن برای چی باید بیاد اینجا؟



### روایت یک شاگرد صافکار از زن عکاس در صافکاری

سینی چایی دستم بود داشتم می‌رفتم سمت اوستا. زن‌هایی که ماشینشون میارن برا تعمیر همیشه باهام مهربون حرف میزنن.

- مشکل ماشین‌تون رو بگید سوئیچ هم بذارید، اوستا الان میاد.

ماشینش مشکلی نداشت می‌خواست از ماشین‌ها عکس بگیره.

اوستا همیشه با خانوما مهربون‌تره. گذاشت عکس بگیره.

دوربینش حسابی بود. شوهرشم مواظبش بود.

- این دوربینا چنده؟ پِن میلیون؟

خواست مهربون جواب بده.

- همین حدودا.

مجید ازون‌ور داد زد سپر این ماشین از اون دوربین گرونتره.

- این عکس‌ها رو کی ازتون میخره؟

مجید باز زر زد.

- اگه این زندگیه که ما داریم پس برا اون‌که این پورشه رو سوار میشه اسمش چیه؟

پرسید چند ساله؟ دوس دارم درس بخونم برم دانشگاه؟

- نه! باس کار کنه وقت درس خوندن نداره.

مجید باز پرید وسط.

- مدرسه بره واسش از این دوربینا میخری؟ ما به چی فکر می‌کنیم شما به چی فکر میکنی.

### An auto body repair assistant’s narrative about a woman taking photos in an auto collision repair services

I was taking the tea tray to my supervisor, the mechanic. The women who bring their cars to our shop to fix are always nice to me.

I started with the regular “Tell me what’s wrong.” Then I asked her to give me the car keys. “the mechanic will be here soon.” I said.

Her car was fine, I learned. She was just there to take some pictures.

The mechanic is always nicer to women. He just allowed her to finish her shooting.

Her camera looked top-notch. Her husband was protective around her.

“How much is a camera like this? That’s in millions, right?” I asked.

She was trying to be nice; “Well, just about right.”

My associate, Majid, slammed on the bonnet with a bang;

“This car bonnet is more expensive than that camera,” he said and then, in a half scornful tone, added: “who will buy these pictures from you?”

He shouted again.

“I wonder... if what we are doing is living a life, then what is he who drives a Porche doing?”

While still busy with her work, the young photographer asked a couple of questions; things like my age, and

if I wished to study to get a university degree.

Majid, jumped in again and said, “No.... he’s no time for that, he’s got to work,” adding lightheartedly, “will you buy him a camera just like that if he goes to school?” and finished in what seemed to be thinking out loud; “what a world! see what we think and what you think!”

### روایت یک شوهر از زن عکاس در صافکاری

یکی از اونا پرسید

- برا بیمه نباشه!؟

اون یکی گفت:

- برا اینستاگرامه؟

همشون جمع شده بودن نگاه می‌کردن.

آقا مسعود اومد کنارم. انگار که می‌خواست همدردی کنه دستش رفت رو شونه‌م و سوالاش رو ردیف کرد.

- زننه؟ این عکس‌ها به چه درد خائمت میخوره؟ حالا پوئم توش هست؟

من که اخم‌هام رفت توی هم، خواست کم نیاره:

- حالا اگه عکساش خوبه بفرست بذارم اینستاگرامم.

خواستم میونه رو بگیرم:

- والا فکر نکنم به دردتون بخوره.

نیشش خندید.

- آخه این‌همه چیز و جای قشنگ هست اومده توی روغن و کثافت از این ماشینای

درب و داغون عکس بندازه که چی؟

یه بار منم قبلاً تو سفر همچین چیزی رو بهش گفته بودم: پس چرا عکس نمیگیری؟ اینجا که منظره‌اش خیلی خوبه!

مسعود صافکار یه سیگار آتیش زد و داشت بالا و پایین رفتن نازفر رو دید میزد.

- ما مجبوریم واسه یه لقمه نون برا زن و بچمون اینجا کار کنیم، شما برو یه جا بهتر!

### A husband’s narrative of a woman taking photos in an auto collision repair services

One of them asked me;

“Are these pictures for insurance companies?”

Another one wondered if she was taking pics for her Instagram.

Everybody had gathered, looking intently at what she was doing.

Massoud, one of the assistants, came up to me. As if in sympathy, he patted my shoulder and asked

“Is she your wife? What’s the use of these pictures to her? Does she make money with them?”

Seeing my eyebrows plunging into a frown, he pulled himself together and said

“Send me some of the photos for my Instagram if they are really good.”

“I don’t think they are any good for you,” I was quick to respond.

He sniggered.

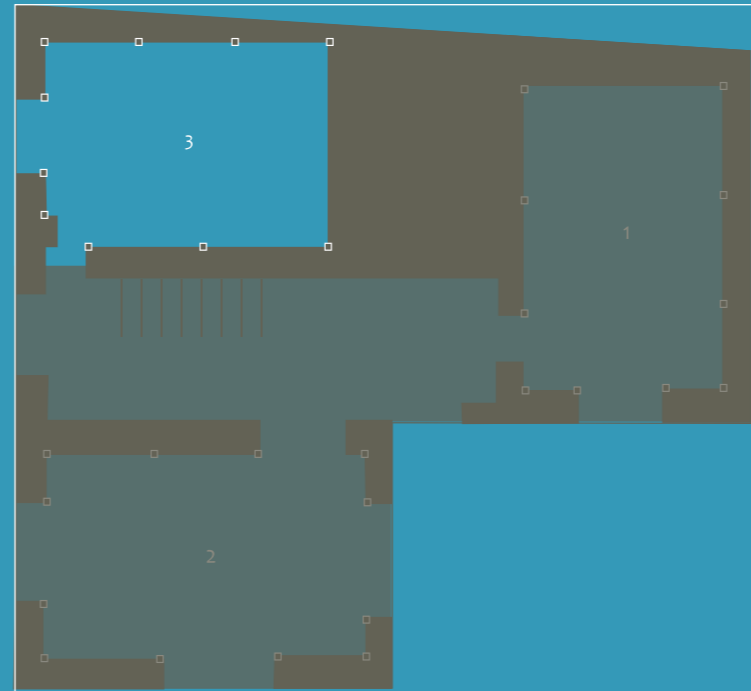
“There’s so much picturesque space out there!” he then said, “Why would she want

to take pictures of dirt, and dust and grease and broken cars. What for?”

As he was talking, I remembered I had once asked her, on one of our trips, why was she not capturing the beautiful scenery we were enjoying.

Massoud, the assistant, lit a cigarette, eyeing up Nazfar who was still busy.

“We have to work here to make some money, to feed our family. I guess you can go somewhere better” he said.









پارافیلیا Phrophilia زمانی معنا پیدا می‌کند که فرد در مواجهه با برخی موقعیت‌ها، اشیا یا تصورات و تخیلات دستخوش برانگیختگی جنسی شود. از میان انواع پارافیلیا، سیمفوروفیلیا Symphorophilia نوعی برانگیختگی جنسی ناشی از تماشا یا صحنه‌سازی یک حادثه همچون تصادف اتومبیل است. معاشرت با فاجعه، عامل و محرک این برانگیختگی و هیجان است. زیست جسورانه‌ای در معرض عشق و مرگ بخش اساسی این نوع پارافیلی را شکل می‌دهد. هرچند اشیاء در انواع فعالیت‌های صمیمی، محبت‌آمیز و شهوانی انسان درگیر هستند، در سیمفوروفیلیا رضایت از انحراف تصادفی موضوعیت یک شیء حاصل می‌شود، انحرافی که ممکن است در بازتابی نمایی‌ای عکاسی نیز برای موضوعیت اشیا اتفاق بی‌افتد.



فاصله مطلوب را حفظ کنید!

Keep appropriate distance!

پارافیلیا Phrophilia زمانی معنا پیدا می‌کند که فرد در مواجهه با برخی موقعیت‌ها، اشیا یا تصورات و تخیلات دستخوش برانگیختگی جنسی شود. از میان انواع پارافیلیا، سیمفوروفیلیا Symphorophilia نوعی برانگیختگی جنسی ناشی از تماشا یا صحنه‌سازی یک حادثه همچون تصادف اتومبیل است. معاشرت با فاجعه، عامل و محرک این برانگیختگی و هیجان است. زیست جسورانه‌ای در معرض عشق و مرگ، بخش اساسی این نوع پارافیلی را شکل می‌دهد. هرچند اشیاء در انواع فعالیت‌های صمیمی، محبت‌آمیز و شهوانی انسان درگیر هستند، در سیمفوروفیلیا رضایت از انحراف تصادفی موضوعیت یک شیء حاصل می‌شود، انحرافی تصادفی که ممکن است در بازتابی نمایی‌ای عکاسی نیز برای موضوعیت اشیا اتفاق بی‌افتد.

Paraphilia takes place when a person is sexually aroused by encountering atypical situations, objects, thoughts or passages of imagination. Amongst various types of paraphilia, symphorophilia involves sexual arousal provoked by staging and watching a circumstance such as a car accident. Acquainting oneself with a disaster is the agent and stimulus for the arousal and excitement of this kind. Albeit objects are involved in different sorts of intimate, passionate, and erotic activities, in symphorophilia satisfaction comes from the accidental deviation of the subjectivism of an object; an accidental deviation which might occur in the indexical representation of an object in the symbolic unveiling of photography.





### There is a way to carry your fardel.

Dance means body movements in which new horizons of the body's motor abilities appear, movements that seem to be unconscious -rather than conscious- in daily activities.

There is a specific group of the citizens who are constantly overwhelmed by everyday life. Through her frequent wanderings in the city, a photographer-psychogeographer has become obsessed with this group's body movements. Their muscles - while others are just passing by - are engaged in heavy work for a living, dealing with heavy objects. In these physical states, by removing the burden imposed on them by urban relations, by removing these heavy objects, we achieve body movements close to dance. And as the object disappears, dancing appears. If the presence of a dancer in the public is an absent, therefore forbidden behavior in Iran, here the absence gives birth to a new presence.

Leila Keivan - Photographer



شیوه‌ای هست که بازت را به دوش بکشم. @leilakeivann

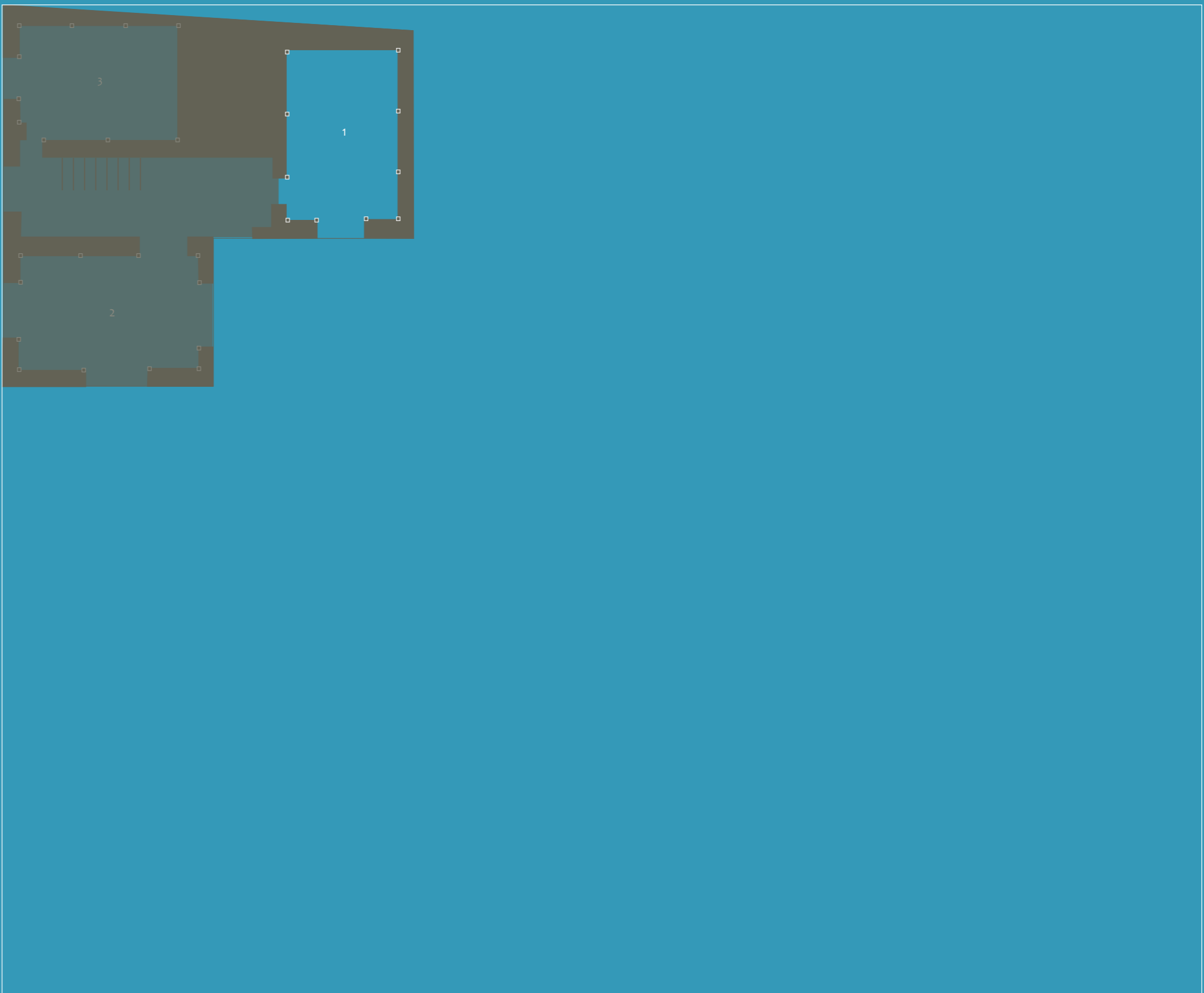
رقص به معنی حرکات تنانه‌ای است که حیطه‌های فهم از قابلیت‌های حرکتی بدن را گسترش می‌دهد، حیطه‌هایی از حرکت که در مواجهه‌ای روزمره بیشتر وجهه‌ای ناخودآگاه پیدا می‌کنند تا خودآگاه.

گروهی از ساکنین شهر هستند که مقهور همیشگی زندگی روزمره‌اند. یک عکاس-روانجغرافیایا‌کاو با پرسه‌زنی‌های مکرر در شهر به حرکات تنانه آن گروه وسواس پیدا کرده است. عضلات آنها - هنگامی که دیگران فقط عبور می‌کنند - درگیر کارهای سنگین معاش است، آنها درگیر اشیای سنگین‌اند. اگر باری را که مناسبات شهری به آنها تحمیل کرده است حذف کنیم، در غیاب اشیا به حرکات تنانه‌ای نزدیک به رقص دست پیدا می‌کنیم. شی که غیب می‌شود، رقص ظاهر می‌شود. اگر حضور رقصنده در عمومی ایران کنشی ممنوع، پس غایب است، اینجا غیبت نوید حضوری تازه را می‌دهد.

لیلا کیوان  
عکاس



w















مهندس مشاوران  
مهندس مشاوران  
مهندس مشاوران  
۰۲۱-۸۸۴۲۹۷

مالکین محترم ایمنی و سلامت طابری  
تعداد پنجره ۲۰۰۱۳۸۲۱  
تعداد سقف ۲۳۷۷۸۱ ۲۳۷۷۸  
تعداد طبقات: تعداد طبقات ۱۶  
تعداد پنجره ۶  
تعداد سقف ۱  
تعداد سایر ۱  
مهندس مشاور حقوقی پروژه،  
شرکت مهندسی مشاور شایان













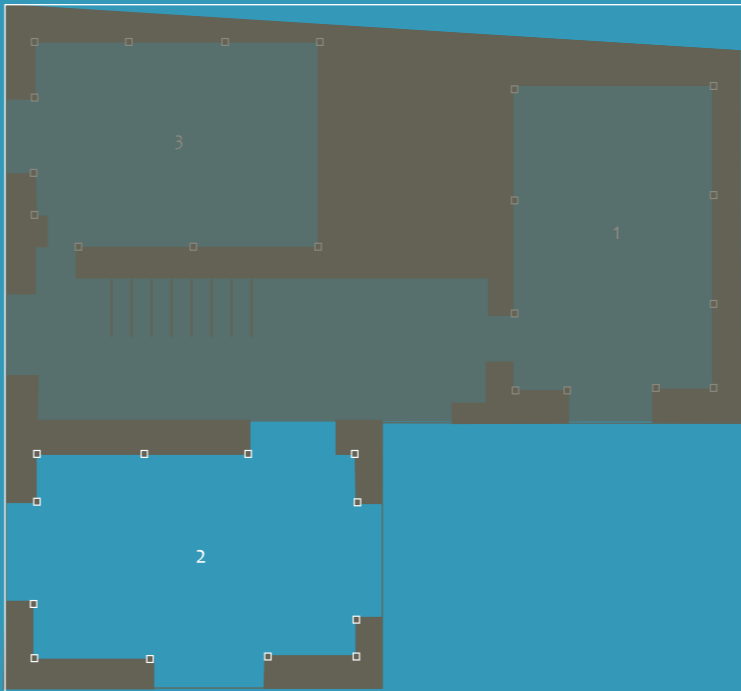








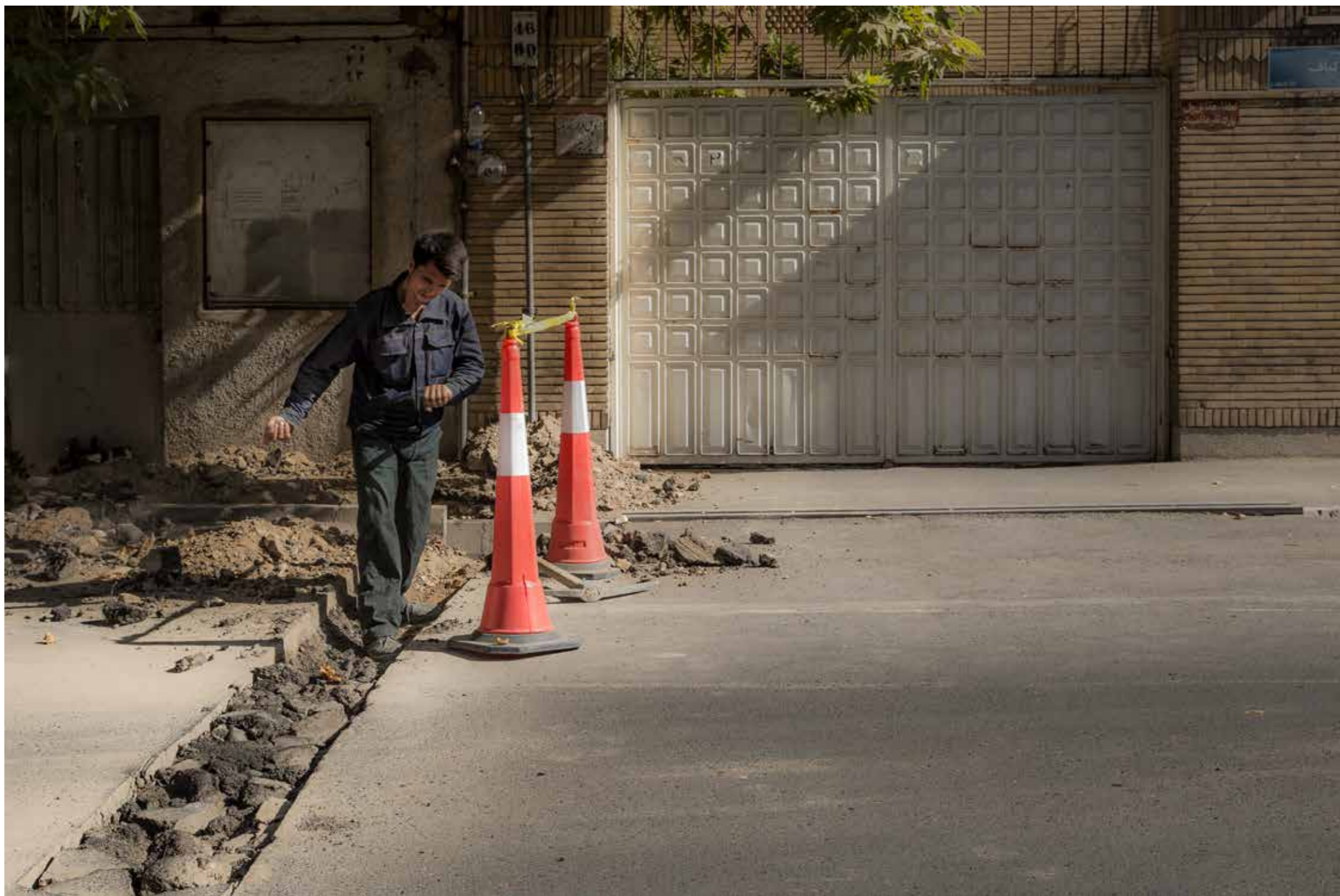








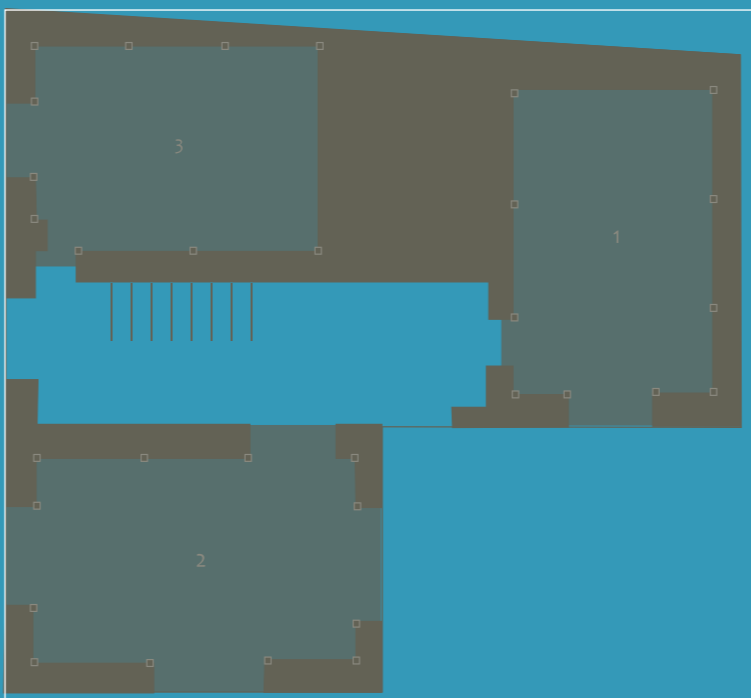






















"من یک چشم هستم. یک چشم مکانیکی. من، یعنی ماشین، جهان را به گونه‌ای به شما نشان می‌دهم که تنها خودم قادر به دیدن آن هستم. من امروز و برای همیشه خودم را از بی تحرکی انسان خلاص می‌کنم... راه من به سوی خلق ادراکی تازه از جهان است. برای همین، به شیوه‌ای تازه جهانی را واضح می‌کنم که برای شما ناشناخته است."

ژیگا ورتوف

"I am an eye. A mechanical eye. I, the machine, show you a world the way only I can see it. I free myself for today and forever from human immobility. ... My way leads towards the creation of a fresh perception of the world. Thus I explain in a new way the world unknown to you."

Dziga Vertov





In this room the visitors interact with the main exhibition. A camera records people walking to and fro. People carry three heavy objects from point A to point G and vice versa, experiencing carrying a heavy load several times on this route. Each time they pass, a mechanical eye records their movement. Gradually, through the vexing of their muscles, their bodies familiarize themselves with the conditions of the photos on the main exhibition.

Finally, by the last two days of the exhibition a new archive, comes from mechanical eye, eventuates a new titled exhibition, as a complement to main exhibition.

The photos in this side-exhibition are curated based on the absent bodies in the main exhibition, the women. In other words, the semi-private space of the gallery provides an opportunity for bodies of women- free from the obligations of the ideological and political society- to be scrutinized by the mechanical eye, in the same way of the main exhibition.



در این اتاق افراد در تعامل با نمایشگاه قرار گرفته‌اند. به این منظور، دوربینی به صورت خودکار رفت و آمد افراد را ثبت می‌کند. افراد با حمل سه شی سنگین از نقطه‌ی A به G و بالعکس، حمل در این مسیر را چندین بار تجربه می‌کنند. هر بار که عبور می‌کنند چشم مکانیکی آنها را ثبت می‌کند. به مرور که عضلاتشان خسته می‌شود بدنشان به شرایط عکس‌های نمایشگاه نزدیک‌تر می‌شود.

در نهایت، در دو روز پایانی نمایشگاه، از آرشیو تازه بدست آمده از چشم مکانیکی با عنوانی جدید نمایشگاهی مکمل نمایشگاه اصلی برگزار شده است:

انتخاب عکس‌های این نمایشگاه مکمل، بر اساس غایب مهم نمایشگاه، یعنی بدن زن‌ها، طرح‌ریزی شده است. به عبارتی فضای نیمه خصوصی گالری فرصتی به دست داده است تا بدنه‌ی زن‌ها نیز با کمی فراغت از پوشش ایده‌نولوژیک - سیاسی حاکم در جامعه و به‌سیاق عکس‌های اصلی نمایشگاه مورد مطالعه‌ی چشم مکانیکی قرار گیرند.





شیوه‌ای هست تا قدم برچشم بگذاری.  
There's a way, in which, you are most welcome.













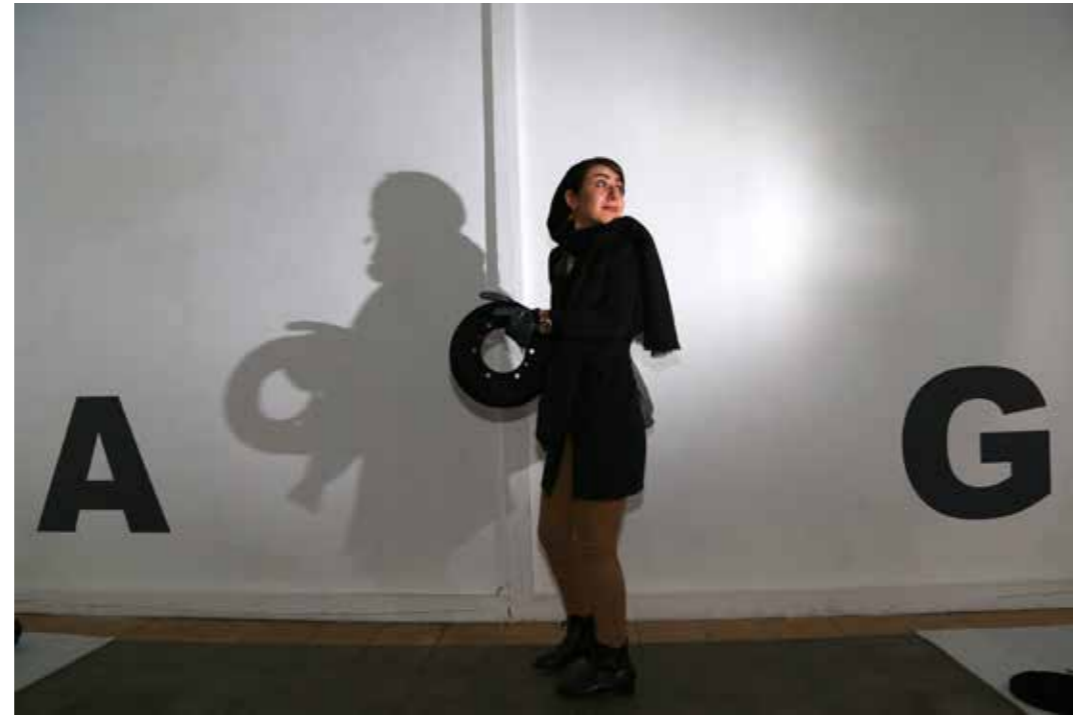






















### The Projector is supposed to Shed Light on the Curtain.

Suppose you are an advanced apparatus. To understand your world, you constantly project yourself out there, and others impose meanings on you in the process of introjection. You, for example, have learned to see interior spaces like the kitchen, bedroom, and maybe even the bathroom, as feminine spaces. Suppose a different tool, say, a projector, disrupts this symbols; then you will have to reconsider others' concepts, thoughts, understandings. So, the projector can manipulate, physically or mentally. The projector uploads new symbols to the old milieu. And the whole thing is like aphasia, an encounter with which the virginity of the space can be torn up.

Yalda Eskandari - Photographer

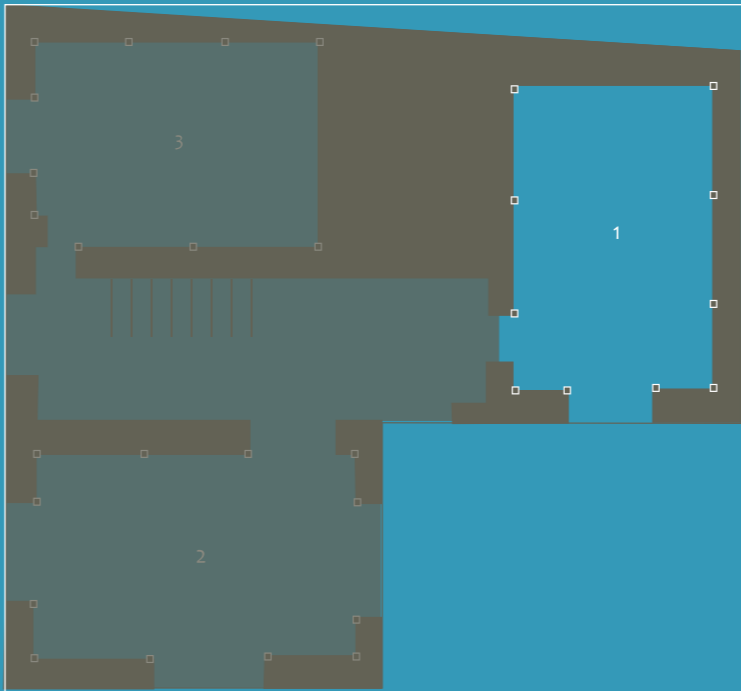
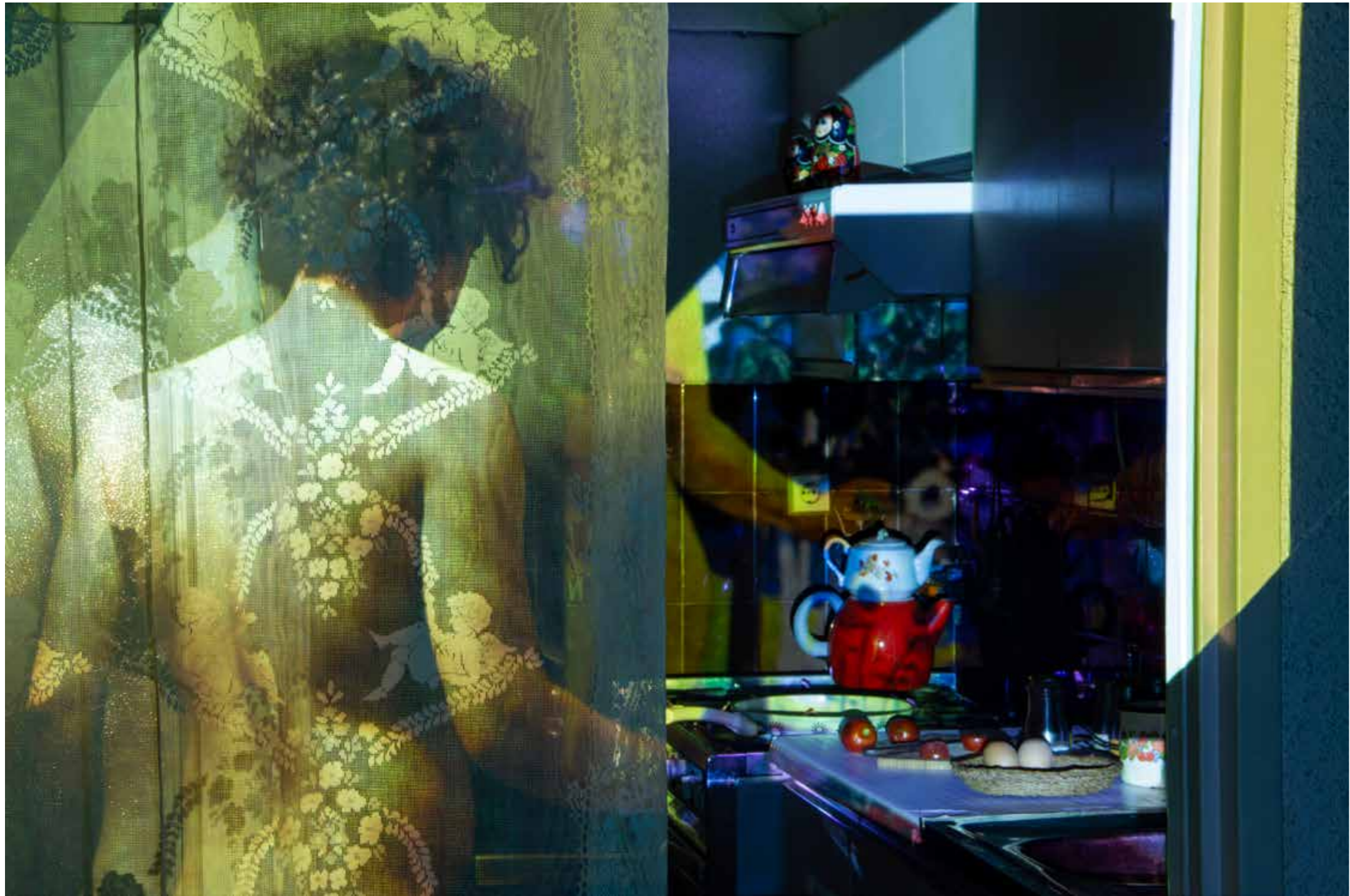


پروژکتور قاعدتاً بر پرده نور می‌افکند. @yaldaes

فرض کنید شما خود یک دستگاه /Apparatus/ پیشرفته هستید. برای فهم دنیای اطرافتان، دائماً خود را به بیرون می‌افکنید /Projection/ و دیگران در درون فکنتان /Introjection/ مفاهیم را به شما تحمیل می‌کنند. مثلاً یاد گرفته‌اید آشپزخانه، اتاق خواب، حمام یا به طور کلی آنچه که به اندرونی نسبت داده می‌شود را فضایی زنانه‌تر از مردانه فرض کنید. حالا اگر ابزار دیگری مانند پروژکتور، آن نماد را مخدوش کند، ناچار می‌شوید در مفاهیم دیگران بازنگری کنید. پس اینجا پروژکتور دستکاری /Manipulation/ می‌کند، شاید هم دست به سر. بر فضای قبلی نماد تازه‌ای حمل می‌کند. این تحمیل /Upload/، مانند نوعی واژه پریشی است که مواجهه با آن می‌تواند لحظه‌ای بکارت /Virginity/ مکان را خدشه‌دار کند.

یلدا اسکندری  
عکاس

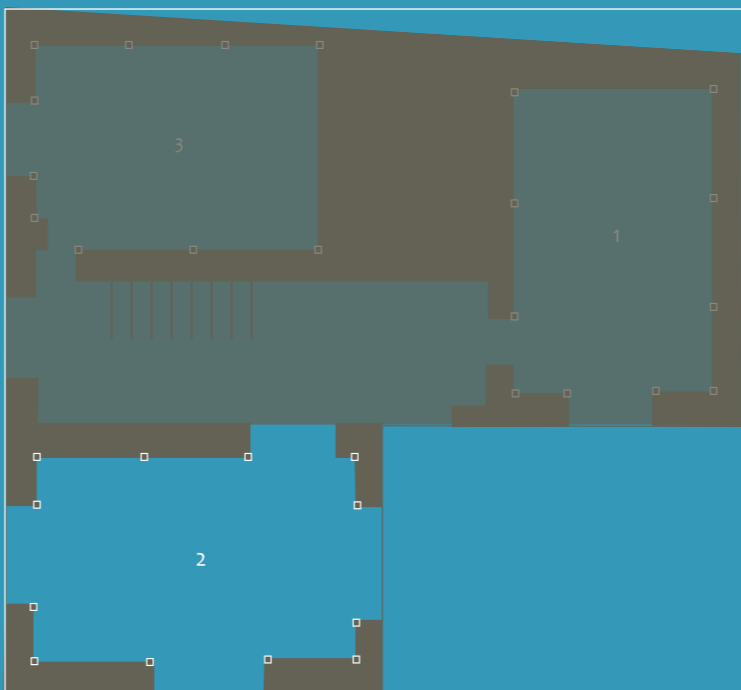




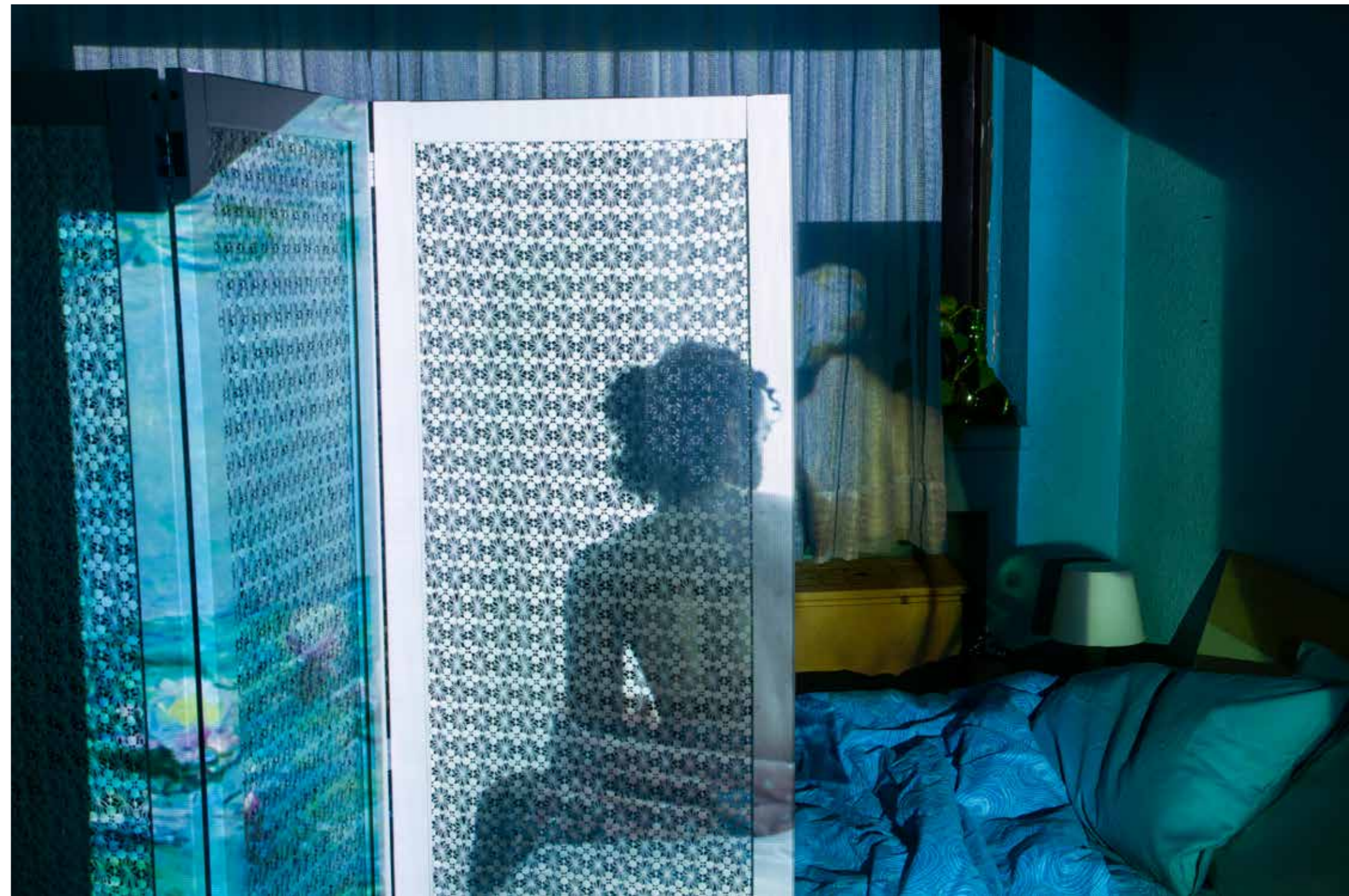








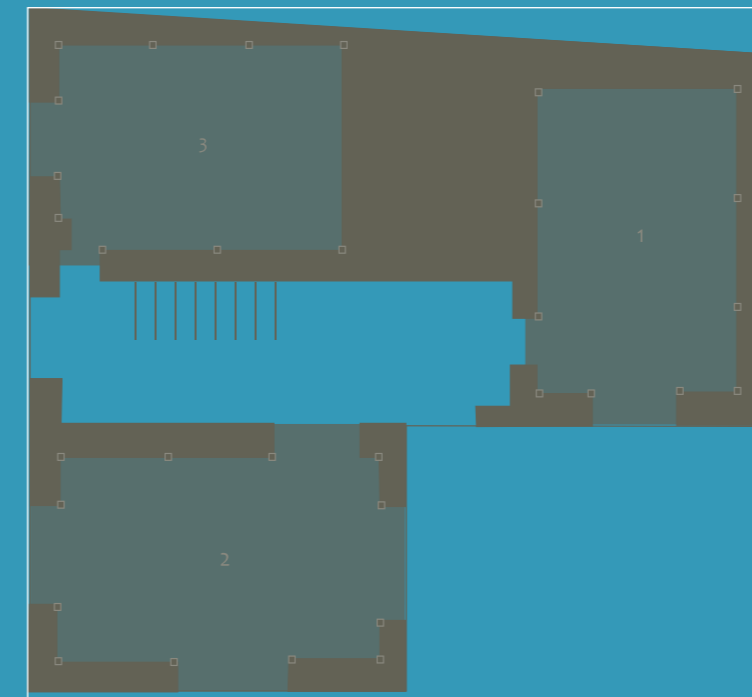








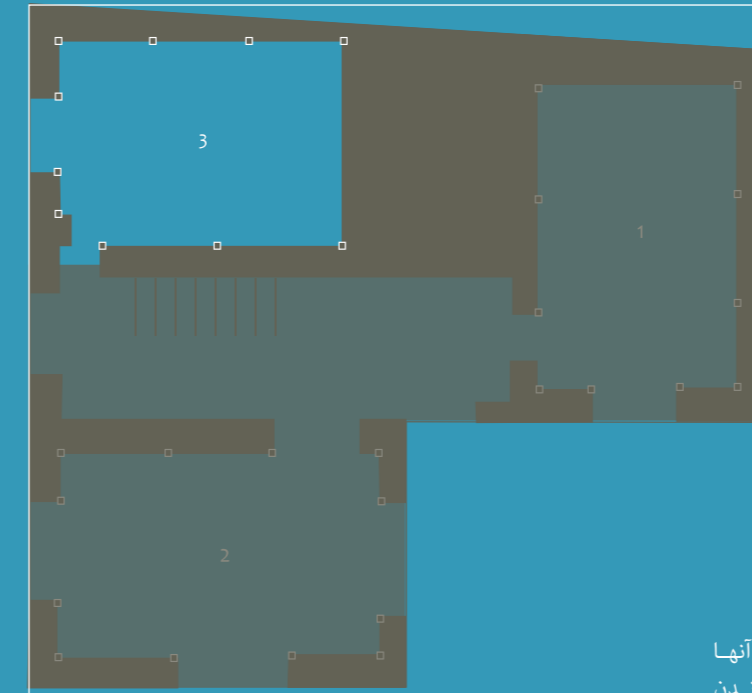












این پروژه عکاسانه در مکان‌هایی داخلی عکاسی شده که رمزگان جنسیتی بر آنها حاکم است. در این خلال عکاس تلاش کرده با استفاده از یک پروژکتور و تاباندن قاب‌هایی ساختگی تشکیل شده از بدن یک مرد و بخشی از تابلوهای معروف تاریخ نقاشی به‌علاوه‌ی سطوحی که تسلط‌اش بر فضا را در عمل عکاسانه بالا می‌برد رمزگان مکان را نیز به چالش بکشد. این روند در اتاق سوم با پروژکتوری به نمایش گذاشته شده است.

This photographic project was shot in interior places where sexual codes reigned. Meanwhile, the photographer has tried to challenge this codes by utilising a projector and shedding some light on fabricated frames made with a man's body and parts of famous works of art from the history of painting. Moreover, some added surfaces could also raise the photographic dominance of the photographer over the photographic frame.



The valley is an aperture between mountains,  
particularly where the river flows.

Melancholy comes from a rupture. In every rupture even though something falls into mortality while another survives; the continuum that had been is then marred. Melancholy comes from the futile mourning over what did not last; an object from the past. For this the person feels love and at the same time hate; as love-hate. Constantly he reprimands himself. If the melancholy does not comply with eliminating what had existed, It will merely stare at something akin to nothing

Hooman Khosravi - Photographer



@hoomankhosravi2002

دره گشادگی میان کوه‌هاست،  
بخصوص در آن جایی که رود روان می‌گردد.

مالیخولیا، از یک گسست آغاز می‌شود. در هر گسست هر چند چیزی فانی می‌شود و چیز دیگری ابقا، اما پیوستاری که به پیش می‌رفته مخدوش شده است. مالیخولیا از سوگواریِ نافرجام برای آنچه از دست رفته است برمی‌آید، ایزهای در گذشته. فرد در مقابل این چیز هم احساس عشق می‌کند و هم احساس تنفر، مهرآکین. دائم خودش را سرزنش می‌کند. مالیخولیایی اگر به حذف آنچه بوده قانع نشود به چیزی شبیه هیچ چیز خیره می‌شود.

هومن خسروی  
عکاس



## The Past

- 1951: Iranian Women Population led by Badrolmolouk Bamdad supported Dr. Mosaddegh and the nationalization of the Iranian oil industry. Monir Vakili won a folklore music competition in Berlin.
- 1952: Forough Farrokhzad published her first collection of poems labeled ‘The Captive’. Women started to have a louder voice in society and collect thousands of signatures to gain suffrage.
- 1953: Women’s Movement defined and codified the relationship between women’s issues and democracy.
- 1954: The Society of Cultural Women was established in girls’ high schools.
- 1955: The New Path Population was established playing a key role in adopt-ing new attitudes for Women’s Movement in the country.
- 1956: Behjat Sadr (the painter) won San Vito’s painting prize. The Cooper-ation Organization for Women’s Populations was established to hold literacy classes for women, sign up new members for such classes, run correction and rehabilitation programs for incarcerated women, and expand interna-tional relationships.
- 1960: For the first time in Iranian history, a woman was selected as the manager of National University Secretariate becoming the first female gener-al manager in Iran.
- 1962: Women gained suffrage.
- 1963: For the first time, six women were elected as members of parliament in the 21st National Parliament of Iran. Meanwhile, two female senators were also elected as senate members in the fourth Senate.
- 1964: Alenush Terian was the first Iranian woman who embarked on the ac-ademic instruction of astrophysics. She also had a major role in establishing the first solar physics observatory. For the first time in Iranian history, Iranian women attended the 1964 Summer Olympics in Tokyo with four athletes (Nazli Bayat in the high jump, Juliet Geverkef in the discus throw, Simin Sa-fai’mehr in 200 meters and long jump, and Jamlieh Sarvari in gymnastics).
- 1965: Janet Kohan-sedq was selected as the best Iranian athlete of the year and managed to break the two records of 100 meters and 60 meters hurdles in the same year.
- 1966: Women’s Organization of Iran was established.
- 1967: National Parliament of Iran approved ‘the bill of family support’, especially by the efforts of women such as Mehrangiz Dowlatshahi and her colleagues. Following this bill, men were not allowed to remarry unless they had their first wife’s permission, women had the prerogative to work outside the house without their husband’s permission and women under 18 years of age were not allowed to marry.
- 1968: The first Iranian woman was selected as a minister in the govern-ment. The law of women’s participation in social activities was passed: cultural and educational services, fighting with illiteracy, healthcare services in state institutes, and public welfare and social services.
- 1970: Simin Shafiqi won the Iranian Basketball Championship as the captain of Tehran Basketball Club.
- 1975: Women could occupy 20 seats out of the 268 seats of the 24th National Parliament of Iran, equaling 7.46% of all members of the parliament.
- 1976: The second woman in Iranian history was selected as a minister in the government. Three female athletes attended the 1976 Summer Olympics in Montreal: Jila Abbasi, Giti Moheban, and Mahvash Safai all in fencing.

## گذشته

• ۱۳۳۰ - حمایت «جمعیت زنان ایران» به رهبری بدرالملوک بامداد از دکتر مصدق و ملی شدن صنعت نفت. / منیر وکیلی در یک مسابقه آوازهای فولکور در برلن جایزه‌ی اول را دریافت کرد.

• ۱۳۳۱ - اولین مجموعه شعر فروغ فرخزاد به نام «اسیر» انتشار یافت. / گسترش حرکت‌های جمعی زنان در پهنه‌ی جامعه و جمع‌آوری صدها هزار امضاء در پی احقاقِ «حق رای برای زنان».

• ۱۳۳۲ - تدوین «رابطه‌ی مسائل زنان با دموکراسی» توسط جنبش زنان.

• ۱۳۳۳ - بنیان‌گذاری «انجمن بانوان فرهنگی» برای دبیرستان‌های دخترانه.

• ۱۳۳۴ - تاسیس «جمعیت راه نو» که نقش کلیدی در اتخاذ رویکرد جدید در جنبش زنان داخل کشور ایجاد کرد.

• ۱۳۳۵ - بهجت صدر(نقاش) برنده‌ی جایزه‌ی سیمین همترازی شهر سن‌ویتو شد. / ایجاد «سازمان همکاری جمعیت‌های زنان» با هدف ایجاد کلاس‌های سوادآموزی برای زنان، عضوگیری و آموزش داوطلبان برای این کلاس‌ها، اداره دوره‌های اصلاح و تربیت برای زنان زندانی بعد از اتمام دوره زندان و گسترش ارتباطات بین‌المللی.

• ۱۳۳۹ - برای نخستین بار یک زن به سمت مدیرکلی در دبیرخانه دانشگاه ملی به عنوان نخستین «بانوی مدیرکل» در ایران انتخاب شد.

• ۱۳۴۰ - تاسیس «اتحادیه زنان حقوقدان ایران»، مجموعه‌ای قوی از وکلای مدافع حقوق زنان بود که به نفع زندگی زنان ایران عمل می‌کرد.

• ۱۳۴۱ - دستیابی زن ایرانی به «حق رای».

• ۱۳۴۲ - در بیست و یکمین دوره قانون‌گذاری مجلس شورای ملی برای اولین بار شش زن به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شدند؛ هم‌زمان انتخابات دوره چهارم مجلس سنا صورت گرفت که در آن دو سناتور انتصابی زن از تهران به مجلس سنا راه یافتند.

• ۱۳۴۳ - آلتوش طریان اولین کسی بود که تدریس فیزیک ستاره‌ها را در ایران بنیان نهاد. او نقش عمده‌ای در احداث نخستین رصدخانه فیزیک خورشیدی در ایران ایفا کرد./ زنان ایرانی اولین‌بار در رقابت‌های المپیک ۱۹۶۴ توکیو با چهار ورزشکار زن (نازلی بیات در دو میدانی، ژولیت گفرکف در پرتاب دیسک، سیمین صفائی‌مهر در دو صد متر و پرش طول، جمیله سروری در ژیمناستیک) پا به عرصه مسابقات المپیک گذاشتند.

• ۱۳۴۴ - ژانت کهن‌صدق به عنوان بهترین ورزشکار سال ایران انتخاب شد و در همان سال رکورد دو ۱۰۰ متر و دو ۶۰ متر با مانع ایران را شکست.

• ۱۳۴۵ - شکل‌گیری «سازمان زنان ایران».

• ۱۳۴۶ - تصویب «لایحه‌ی حمایت از خانواده» در مجلس شورای ملی که مشخصاً از سوی زنانی همچون مهرانگیر دولتشاهی و یاران‌اش انجام گرفت. (به موجب آن ازدواج مجدد مرد بدون رضایت همسر، قوانینی چون حق اشتغال برای زنان بدون امکان ممانعت همسر و حداقل سن ۱۸ سال برای ازدواج زنان وضع شد).

• ۱۳۴۷ - انتصاب اولین وزیر زن در ایران. / تصویب قانون مشارکت زنان در خدمات اجتماعی: خدمات فرهنگی و آموزشی، پیکار با بی‌سوادی، خدمات بهداشتی و درمانی در موسسات دولتی و خدمات مربوط به رفاه عمومی و مددکاری اجتماعی.

• ۱۳۴۹ - سیمین شفیقی به همراه تیم باشگاه و در سمت کاپیتان تیم بسکتبال، قهرمان باشگاه‌های تهران شد.

• ۱۳۵۴ - بیست‌ و نصدلی از ۳۶۸ کرسی مجلس شورای ملی بیست و چهارم (آخرین دوره‌ی آن) را زنان تشکیل می‌دادند، ۷/۴۶ درصد از کل.

• ۱۳۵۵ - دومین زن در تاریخ معاصر ایران به مقام وزارت رسید. / حضور سه زن در المپیک ۱۹۷۶ مونترئال که در این دوره از رقابت‌ها ژیلا الماسی، گیتی محبان و مهوش صفایی در بخش تیمی شمشیربازی مسابقه دادند.



آنها همه متولد دهه‌ی ۱۳۳۰ هستند.

They have all been born in the 1950s.





شهین، متولد ۱۳۳۱، در سال ۱۳۷۰ همسرش در اثر سرطان خون فوت کرد، در سال ۱۳۸۱ پسر جوانش را در حادثه‌ای مشکوک به خودکشی از دست داد.

Shahin, born in 1953, her spouse passed away in 1982 because of leukemia, in 2003 she lost her son in an incident suspected to have been a suicide.







فریبا (کامجو)، متولد ۱۳۳۹، در سال ۱۳۵۹ دچار ترس شدیدی از تحت تعقیب بودن شد که به واسطه‌ی این دلهره یک ماه و نیم به مشهد نقل مکان کرد و پس از بازگشت به تهران، محل سکونتش را تغییر داد.

Fariba (Kamjoo), born in 1961, in 1981 was tormented by deep phobias of being stalked, for which reason she moved to Mashhad for a month and a half and after she returned to Tehran, moved her residence elsewhere.







مینا، متولد ۱۳۳۳، در دهه‌ی ۶۰ دچار متارکه‌ی عاطفی شد.  
Mina, born in 1955, in the 1980s underwent emotional separation.







ماریا، متولد ۱۳۳۶، در اوایل جوانی عاشق شد ولی سال‌های طولانی حبس به او امکان پیوستن به معشوق را نداد. (در سال ۱۳۹۷ با اختلاف چند ماه مادر و خواهر جوانش را از دست داد).

Maria, born in 1958, in her early youth she fell in love but years of prolonged imprisonment detained her from joining her lover. (In the year 2018 lost her mother and her young sister in a matter of months).

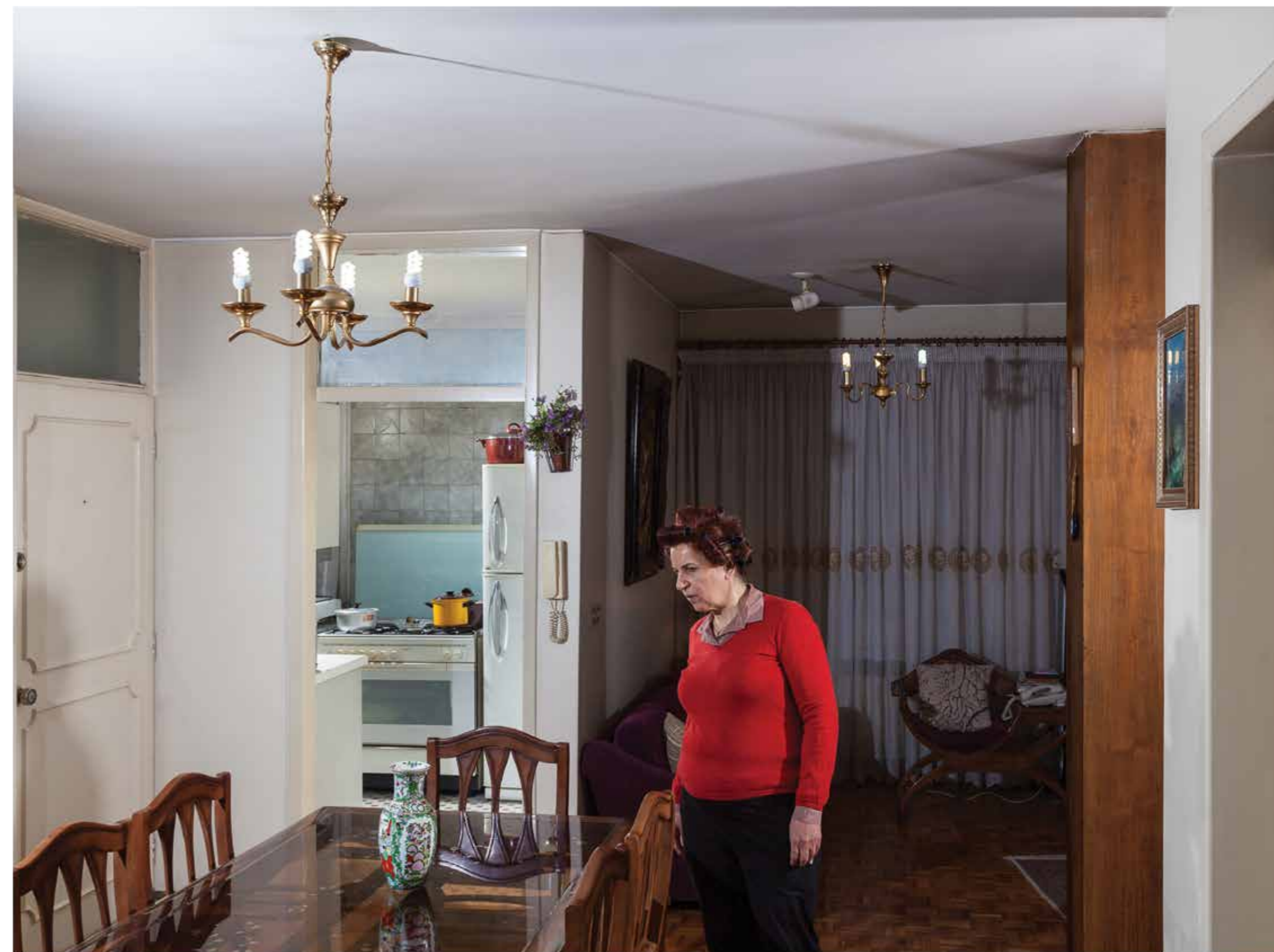






نرگس، متولد ۱۳۳۴، در سال ۱۳۶۱ تصمیم به جدا شدن گرفت ولی به دلیل نداشتن استقلال مالی مجبور به ادامه‌ی زندگی اشتراکی شد.

Narges, born in 1956, in the year 1983 decided to separate from her spouse but due to her lack of financial independence had to endure cohabiting with him.





## The Present

• 1979: Masoumeh Ebtekar participated in the seizure of the Embassy of the United States in Iran. She later founded the Institutes of Women’s Studies and Researches. She is the first woman after the Islamic revolution in Iran who became a member of the government cabinet. The participation of Iranian women in labor was 14.8% in 1976 and decreased to 12% in 1979-198۰ and 10% in ۱989-۱99۰.

• 198۰: Five seats out of 243 seats in the first Islamic Parliament of Iran were occupied by women equaling 2%.

• 1981: Several occupations, such as being a secretary, were announced inappropriate hence illegal for women.

• 1982: The legal age for girls’ marriage became 9 years old with the passing of civil law.

• 1996: The first appearance of Iranian women in the Olympic Games after the Iranian Islamic revolution when Lida Fariman competed in the women’s 10-meter air rifle event and ranked 47th.

• 2000: One female athlete attended the 2000 Summer Olympics in Sydney: Manijeh Zazemi in the women’s 10-meter air pistol event.

• 2004: One female athlete attended the 2004 Summer Olympics in Athens: Nasim Hassanpour in the women’s 10-meter air pistol event.

• 2008: Three Iranian female athletes attended the 20۰8 Summer Olym-pics in Beijing: Najmeh Abtin in archery, Homa Hosseini in rowing, and Sara Khosh’jamal Fekri in taekwondo. According to the reports published by the United Nations (2008), Iranian women took a 16% share of management and legislation whereas countries such as Filipine, Angola, Cayman Island, and Mongolia had a share of 58%, 52%, 51%, and 50%, respectively.

• 2012: Eight Iranian athletes attended the 2012 Summer Olympics in London: Zahra Dehqan in archery, Leila Rajabi in athletics, Arezoo Hakimi in rowing, Solmaz Abbasi in rowing, Mah’laqa Janbozorgi in shooting, Elaheh Ahmadi in shooting, Neda Shahsavari in table tennis, and Susan Hajipour in taekwondo.

• 2013: Jaleh Amouzgar won the Janos Panonish prize awarded by Hungari-an Writers’ Association.

• Some statistics:

In 1956, Iranian women took a 9.2% share of the labor market (people work-ing or looking for jobs), and the rate of unemployment was 0.3%. Women’s share of the labor market increased regularly afterward and peaked at 12.9% before the Islamic Revolution of Iran. The unemployment rate also increased and reached 16.4% in 1976. After the revolution, this share decreased drasti-cally to 8.2% in 1996, and the unemployment rate increased to 25.5%. in the following years, however, women’s’ share of the labor market improved and rose to 12.5% in 2006.

Women’s’ unemployment reduced after the Iran-Iraq war, particularly in the second round of Rafsanjani’s presidency reaching its lowest rate after the revolution (13.4%) in his final year of presidency.

When Ahmadinejad took office, women’s unemployment rate started to rise again, and women’s share of the labor market dropped accordingly.

Censuses in the last 40 years show that the number of female-headed house-holds has increased incessantly from 7.1% in 1976 to 13% in 2016.

### حال

• ۱۳۵۸ - معصومه ابتکار در وقایع تسخیر سفارت آمریکا مشارکت می‌کند. سپس در سال‌های بعد، موسسه مطالعات و تحقیقات مسائل زنان را شکل می‌دهد. او اولین زن ایرانی است که در جمهوری اسلامی ایران در کابینه حضور داشته است. / درصد مشارکت زنان در نیروی کار در سال ۱۳۵۵، ۱۴/۸ درصد بود که در بازه‌ی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۵۹ به ۱۲ درصد رسید و طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۹ به ۱۰ درصد سقوط کرد.
• ۱۳۵۹ - ۵ صندلی از ۲۴۳ کرسی مجلس نخست شورای اسلامی را زنان تشکیل می‌دادند، ۲ درصد از کل.

• ۱۳۶۰ - چندی از مشاغل همانند منشی‌گری برای زنان نامناسب اعلام شد.

• ۱۳۶۱ - تغییر سن ازدواج دختران به ۹ سال در نتیجه‌ی تصویب قانون مدنی.

• ۱۳۷۵ - اولین حضور زنان در مسابقات المپیک پس از انقلاب (المپیک ۱۹۹۶ آتلانتا) با یک ورزشکار، لیدا فریمان، در رشته تفنگ ۱۰ متر بادی و کسب رنکینگ ۴۷.

• ۱۳۷۹ - شرکت در المپیک سیدنی ۲۰۰۰ با یک ورزشکار زن، منیژه کاظمی در رشته تپانچه ۱۰ متر بادی.

• ۱۳۸۳ - شرکت در المپیک آتن ۲۰۰۴ با یک ورزشکار زن، نسیم حسن‌پور در رشته تپانچه ۱۰ متر بادی.

• ۱۳۸۷ - شرکت در المپیک پکن ۲۰۰۸ با سه ورزشکار زن، نجمه آبتین در تیر و کمان، هما حسینی در قایقرانی، سارا خوش‌جمال‌فکری در تکواندو / طبق آمار منتشره از سوی سازمان ملل (۲۰۰۸)، سهم زنان ایران در مدیریت و قانون‌گذاری کشور ۱۶ درصد اعلام شده است. این در حالی است که کشورهای چون فیلیپین، آنگولا، جزایر کایمان، مغولستان به ترتیب ۵۸ درصد، ۵۲ درصد، ۵۱ درصد، ۵۰ درصد بالاترین سهم را دارند.

• ۱۳۹۱ - شرکت در المپیک لندن ۲۰۱۲ با ۸ ورزشکار زن، زهرا دهقان در تیر و کمان، لیلا رجبی در دو و میدانی، آرزو حکیمی در قایقرانی، سولماز عباسی در قایقرانی، مه‌لقا جان‌بزرگ در تیراندازی، الهه احمدی در تیراندازی، ندا شهنسواری در تنیس روی میز، سوسن حاجی‌پور در تکواندو.

• ۱۳۹۲ - ژاله آموزگار جایزه «یانوش‌پانونیش» را از سوی انجمن قلم مجارستان دریافت کرد.

• برخی آمارها:

در سال ۱۳۳۵ نرخ مشارکت زنان در بازار کار (افراد شاغل و جویای کار) ۹/۲ درصد بود و نرخ بیکاری زنان سه دهم درصد. از آن به بعد نرخ مشارکت زنان در بازار کار مرتب افزایش یافت و در سال‌های پیش از انقلاب به نقطه اوج یعنی ۱۲/۹ درصد رسید. اما نرخ بیکاری هم به سرعت افزایش پیدا کرد و در زمان سرشماری سال ۱۳۵۵ به ۱۶/۴ درصد رسید. بعد از انقلاب مشارکت زنان در بازار کار کاهش چشمگیری داشت و در سال ۱۳۷۵ به ۸/۲ درصد تنزل پیدا کرد و بیکاری هم افزایش یافت و به ۲۵/۵ درصد رسید. اما از آن به بعد نرخ مشارکت زنان در بازار کار رو به بهبود رفت و در سال ۲۰۰۶ به میزان قبل از انقلاب نزدیک شد و به ۱۲/۵ درصد رسید.

بیکاری زنان پس از پایان جنگ ایران و عراق و به خصوص در دور دوم ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی رو به کاهش رفت و در سال آخر ریاست جمهوری او، به پایین‌ترین حد خود بعد از انقلاب رسید (۱۳/۴ درصد).

• پس از روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد نرخ بیکاری زنان همچنان افزایش یافت و نرخ مشارکت زنان در بازار کار رو به کاهش رفت.

• سرشماری‌های چهار ساله گذشته نشان می‌دهند که تعداد و نسبت زنان سرپرست خانوار مرتب رو به افزایش بوده و از ۷/۱ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۳ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است.







سیمین، متولد ۱۳۳۸، در سال ۱۳۶۵ همسرش به زندان افتاد. او در سال ۱۳۶۷ همسرش را از دست داد.

Simin, born in 1960, in 1987 her spouse was imprisoned. She lost her spouse in 1989.







شهناز، متولد ۱۳۲۸، در سال ۱۳۷۷ همسرش را در اثر سرطان ریه از دست داد و مسئولیت زندگی و سه فرزندش را به تنهایی به دوش کشید.

Shahnaz, born in 1950, in the year 1999 lost her spouse because of lung cancer, and had to shoulder the responsibility of herself and her three children, all alone.







لایا، متولد ۱۳۳۸، در سال ۱۳۸۵ از همسرش جدا شد و علی‌رغم مشکل جسمی‌اش مجبور به کار طولانی مدت شد تا بتواند از پس هزینه‌های زندگی خود و دو فرزندش بر بیاید.  
Laiya, born in 1960, in 2007 separated from her spouse and despite physical problems she had to work long hours to be able to cover the life expenses of herself and her two children.

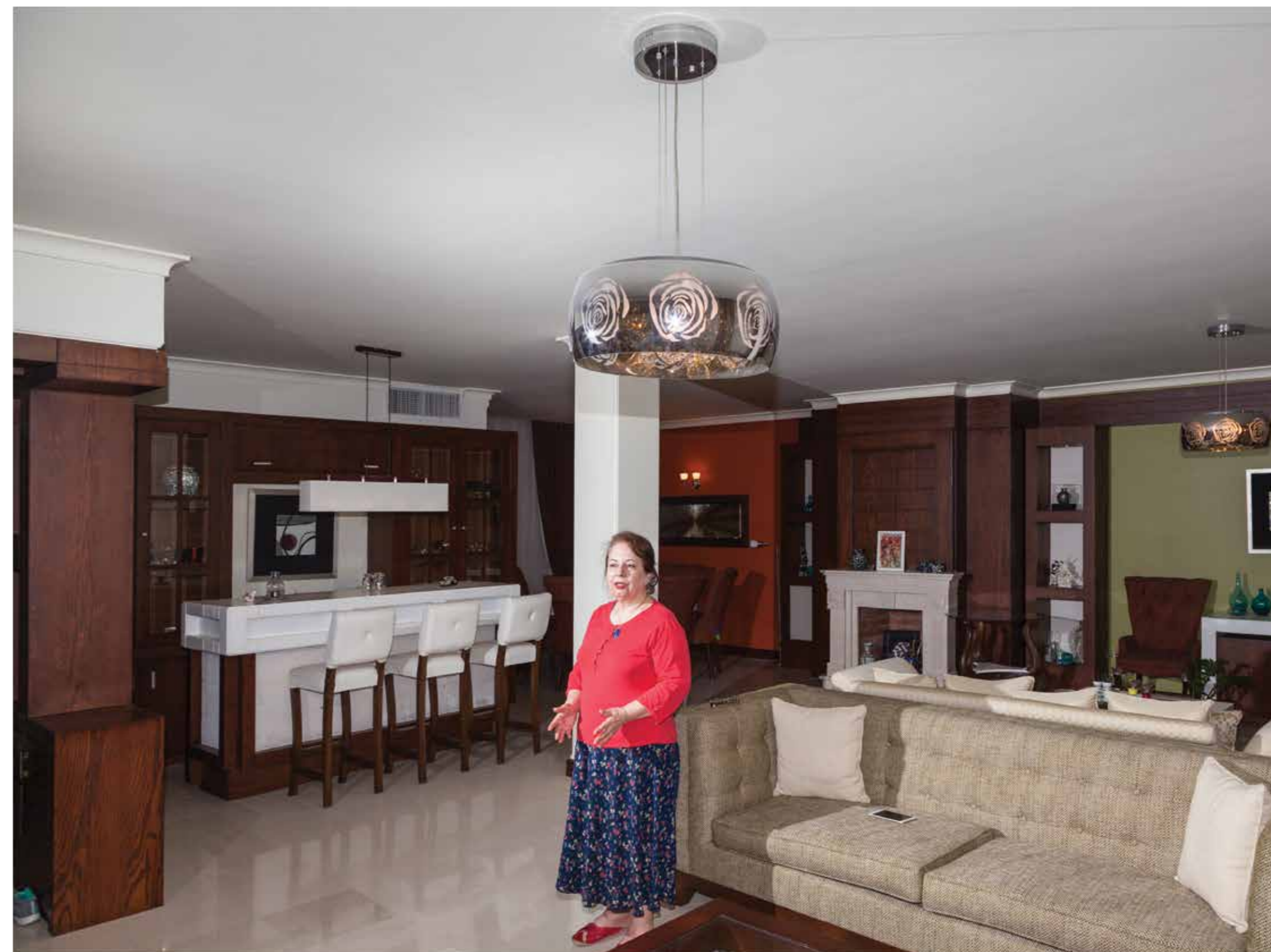






پروانه، متولد ۱۳۳۱، در شهریور ۱۳۵۴ ازدواج کرد و پس از ۲۰ روز همسرش دستگیر شد. او در سال ۱۳۵۶ آزاد شد ولی مجدداً در سال ۱۳۶۰ در پی عملیاتی با ورود به خانه‌شان، که منجر به لکنت پسر دو ساله‌اش شد، همسرش مجدداً روانه‌ی زندان شد.

Parvaneh, born in 1953, in September 1976, she married, her spouse was arrested 20 days later. He was released in the year 1987, yet again in 1982 was recaptured through an operation in which the police invaded their house and as a result of that their two-year-old son developed speech impediment, the father was sent back to prison.







فربیا (رزاقی)، متولد ۱۳۳۸، در سال ۱۳۶۰ عمو، زنعمو و دختر عمویش که دوست و هم‌بازی دوران کودکی‌اش بود در اتفاق مشکوکی به قتل رسیدند.  
Fariba Razzaghi, born in 1960, in 1982 her uncle, her uncle's wife, and her uncle's daughter who was her childhood friend and playmate were murdered in a suspicious accident.







مهین، متولد ۱۳۳۲، در سال ۱۳۶۷ همسرش را از دست داد، در سال ۱۳۸۸ پسرش به زندان افتاد و پس از چندی مجبور شد او را به خارج از ایران بفرستد.  
Mahin, born in 1954, in 1989 lost her spouse, in 2010 her son was imprisoned and after some time she had to send him abroad.







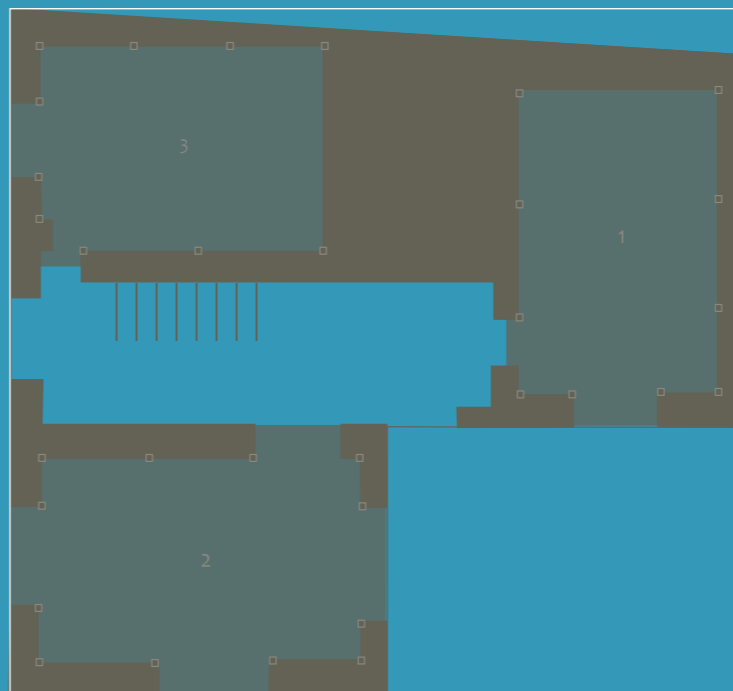
مرضیه، متولد ۱۳۳۷، در سال ۱۳۷۲ پدرش را از دست داد و در سال ۱۳۹۵ برادر ۴۹ ساله‌اش در اثر سکته قلبی فوت کرد.  
Marziyeh, born in 1959, in 1994 lost her father and in 2016 her brother died of a heart attack at the age of 49.





“In such cases, suicide is not a pseudo competition, but it is to drown in sorrow and beyond, drowning in that impossible love which can never be reached and constantly lies elsewhere, like promise of death and oblivion.”

**Julia Christova**



«در چنین مواردی، خودکشی یک پیکار مبدل نیست بلکه غرق شدن در غمگینی است و فراتر از آن، غرق شدن در آن عشق ناممکنی که هرگز به دست نمی آید و همواره در جای دیگری است، همچون نویدهایی از نیستی و مرگ.»

ژولیا کریستوا





مهری، متولد ۱۳۲۸، جوانی‌اش را - ۳ سال قبلاً و ۹ سال بعداً - در حبس گذراند. پس طبیعتاً تا کنون مجرد مانده است.  
Mehri, born in 1950, spent her youth- 3 years the first time and 9 years the second time- in prison. Therefore, naturally she is still single.





**فروشگاه یوشش اول لاله زار**

**سه روز سوء باضمه**  
سج می برند

**کمی از آنها بود سینه ما کلین برند**  
مصرف نیند.

پودر معدن ما کلین براند در میان نوری و مؤثر ترش کردن و سوزش و درد معدن است. پودر معدن ما کلین براند را گرفتارهای ما کلین با طرز مخصوص تهیه شده است که بیخ مصرف اثر نوری آن احساس میگرد.

**MACLEAN BRAND STOMACH POWDER**

پودر معدن ما کلین براند معر و قزین درمان سوء هاضمه و دلالت است  
فروشنده انحصاری: **آ. حکیم روش گل** خیابان سعدی تلفن ۱۱۲۱

دوشیزه (۱ - ن) امسال مدلهای زیله با بلور و دامن زیاده است، شما میتوانید برای همه عودیک لباس با این مدل درست کنید. دامن آن گوش و گشاد است. آستین بلورین کشیده باشد، سردست آن یک سج بلند گدازده شده است. زیله رو از پارچه نخی تهیه شده و روی آن با پریشم رنگ دامن یا بلور گلدوزی شده است جلوی زیله روی هم بر میگرد و دوزیفات که روی آن دارد.

دوشیزه (۲) فریبند مقیوم الله این پاک شده زیبا برای روی بالاش است. دوز بالاش برودی دوزی شده. گنبا تقریباً بر دوخته شده و لی فاصله نغها باید باز باشد که کل فنشگر و بیتر جلوه که بدلاوه میتواند حروف اول و آخر اسمتان را هر چه هست مثل این معلی بوزید. رنگ نغها باید یک رنگ باشد اگر پارچه سفید است از رنگ های آن و بایست گلی و اگر پارچه رنگی است گلی بر دنگر از پارچه باشد.

عاشق مهورش - ح - این لباس ساده مورد توجه شاست. دامن این لباس تنگ است و بالای آن سازه و آستین سرخود و سه رخی است. یقه پیراهن بلند و سر خود لباس است، جلوی سینه باز است و یک برش کوچک روی سینه دارد که شما میتواند یک تکه و یا یک گل فنشگر روی آن بگذارید که آن بین است. بدلاوه چون عقی بلنسه دوست شده دارد، اگر پارچه شما ابریشمی باشد میتواند این کبر و جدا گانه از مر بر رنگ لباس تهیه کنید و آراد پشت گره در بندگی روی سینه را هم از همان رنگ درست کنید.

دوشیزه (۳) - ن - امسال مدلهای زیله با بلور و دامن زیاده است، شما میتوانید برای همه عودیک لباس با این مدل درست کنید. دامن آن گوش و گشاد است. آستین بلورین کشیده باشد، سردست آن یک سج بلند گدازده شده است. زیله رو از پارچه نخی تهیه شده و روی آن با پریشم رنگ دامن یا بلور گلدوزی شده است جلوی زیله روی هم بر میگرد و دوزیفات که روی آن دارد.

دوشیزه (۴) فریبند مقیوم الله این پاک شده زیبا برای روی بالاش است. دوز بالاش برودی دوزی شده. گنبا تقریباً بر دوخته شده و لی فاصله نغها باید باز باشد که کل فنشگر و بیتر جلوه که بدلاوه میتواند حروف اول و آخر اسمتان را هر چه هست مثل این معلی بوزید. رنگ نغها باید یک رنگ باشد اگر پارچه سفید است از رنگ های آن و بایست گلی و اگر پارچه رنگی است گلی بر دنگر از پارچه باشد.

عاشق مهورش - ح - این لباس ساده مورد توجه شاست. دامن این لباس تنگ است و بالای آن سازه و آستین سرخود و سه رخی است. یقه پیراهن بلند و سر خود لباس است، جلوی سینه باز است و یک برش کوچک روی سینه دارد که شما میتواند یک تکه و یا یک گل فنشگر روی آن بگذارید که آن بین است. بدلاوه چون عقی بلنسه دوست شده دارد، اگر پارچه شما ابریشمی باشد میتواند این کبر و جدا گانه از مر بر رنگ لباس تهیه کنید و آراد پشت گره در بندگی روی سینه را هم از همان رنگ درست کنید.

دوشیزه (۵) فریبند مقیوم الله این پاک شده زیبا برای روی بالاش است. دوز بالاش برودی دوزی شده. گنبا تقریباً بر دوخته شده و لی فاصله نغها باید باز باشد که کل فنشگر و بیتر جلوه که بدلاوه میتواند حروف اول و آخر اسمتان را هر چه هست مثل این معلی بوزید. رنگ نغها باید یک رنگ باشد اگر پارچه سفید است از رنگ های آن و بایست گلی و اگر پارچه رنگی است گلی بر دنگر از پارچه باشد.

عاشق مهورش - ح - این لباس ساده مورد توجه شاست. دامن این لباس تنگ است و بالای آن سازه و آستین سرخود و سه رخی است. یقه پیراهن بلند و سر خود لباس است، جلوی سینه باز است و یک برش کوچک روی سینه دارد که شما میتواند یک تکه و یا یک گل فنشگر روی آن بگذارید که آن بین است. بدلاوه چون عقی بلنسه دوست شده دارد، اگر پارچه شما ابریشمی باشد میتواند این کبر و جدا گانه از مر بر رنگ لباس تهیه کنید و آراد پشت گره در بندگی روی سینه را هم از همان رنگ درست کنید.

۱۳۳۲

1954







۱۳۳۷  
1959



۱۳۳۶  
1958

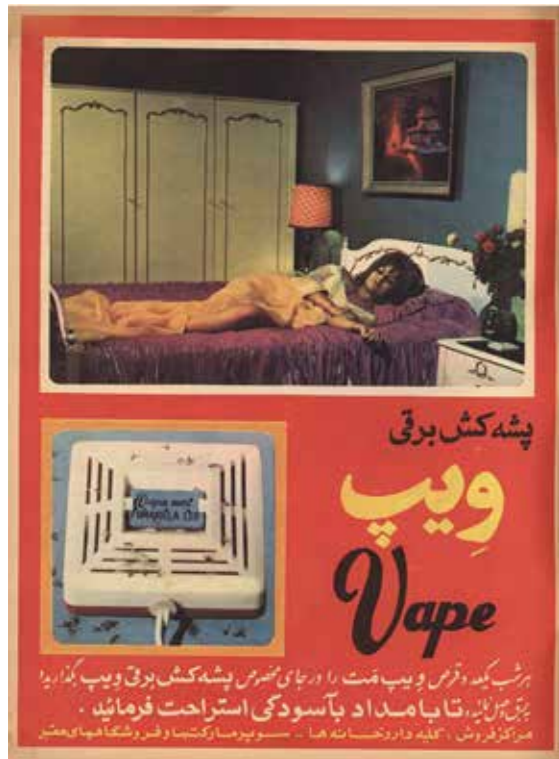


۱۳۳۴  
1956

گرچه در این روزها نیز هوا سرد است و برف می بارد، اما در این روزها که بهار در راه است، باید که لباسهای بهاری را بپوشیم. این لباسها باید که هم زیاده را نبرد و هم کم را نپوشد. این لباسها باید که هم در خانه و هم در بیرون قابل استفاده باشد. این لباسها باید که هم در فصل بهار و هم در فصل تابستان قابل استفاده باشد. این لباسها باید که هم در فصل بهار و هم در فصل تابستان قابل استفاده باشد.

۱۳۳۳  
1955





۱۳۵۰  
1972



۱۳۴۹  
1971



۱۳۴۷  
1969



۱۳۴۶  
1968

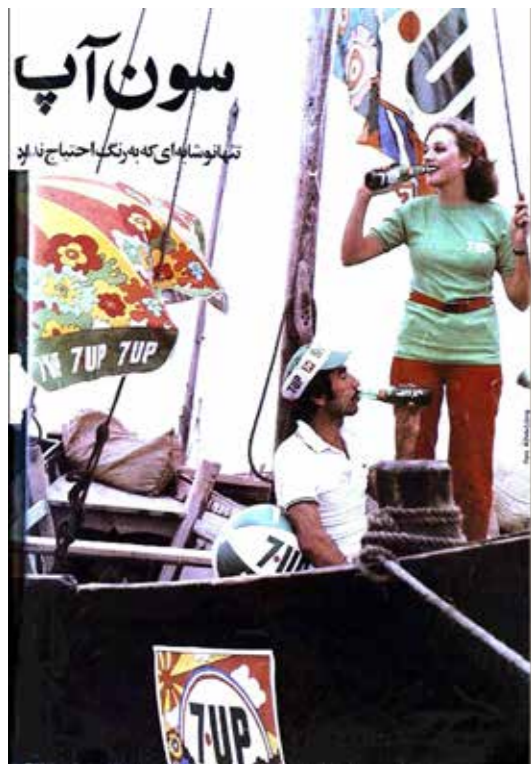


۱۳۴۴  
1966



۱۳۳۸  
1960





۱۳۵۷  
1978



۱۳۵۶  
1977



۱۳۵۵  
1976



۱۳۵۴  
1975



۱۳۵۳  
1974



۱۳۵۲  
1973



**جوانانک** امروزه  
**سؤال بزرگ در باره علت مرگ**  
**آیت الله طالقانی مجاهد بزرگ**

نامه این الزمیه: آقای احمد خمینی! منمب مصاحبه شما را خواندم...

خانواده پروفیسور جمشید اعلم مدتی شدند که امام «سائور» معدوم را بخشیده بود

ماجرای هراس انگیز دستگیری زنی که ۶ فرزند دخترش را فروخته است

کتابت حضرت زاده  
**اسلام و اقتصاد اسلامی**

یک کتاب مهم درباره آخرین راه معالجه بیماری قلب - سرطان - فشار خون

۳۵۰۰ تریولتوار در دادگاه تریولتواران

**لباس اسسال مدارس دخترانه**  
 آستین بلند - دامن زبر زبر - رنگ طوسی یا سفید پرتوبه کلاسی



۱۳۵۸

1979

گسست  
 Rupture





۱۳۸۹  
2010



۱۳۹۴  
2015



۱۳۹۵  
2016

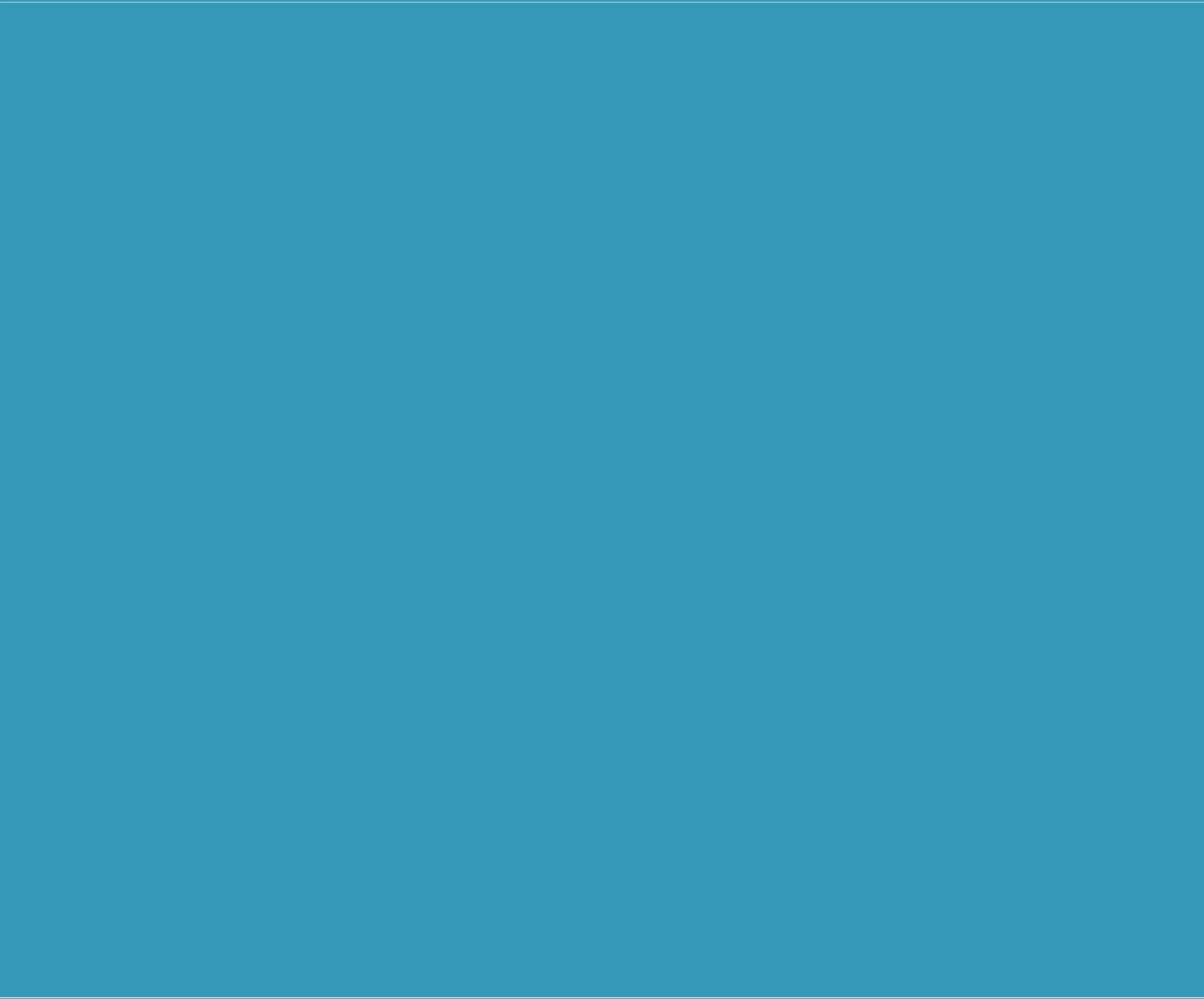


۱۳۹۶  
2017



۱۳۹۸  
2019





Encounter 2  
An event curated by Roham Shiraz  
Tehran 2019

Launched at  
**Ag Galerie**



